| تاریخ دریافت:۱۳۹۹/۲/۶ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۶ |

بررسی تحلیلی منابع، علوم و روش‌های دخیل در روش‌شناسی میان‌رشته‌ای «دانش جریان‌شناسی» و واکاوی جایگاه آن‌ها

علی ابراهیم‌پور

دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت راهبردی فرهنگ، دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه باقرالعلوم(ع). قم. ایران.

montazer.mahdy@gmail.com

| فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی | شماره پیاپی ۱۸ | بهار ۹۹ |

چکیده

«چندوجهی‌بودن» مسائل و موضوعات، مستلزم «چند بعدی شدن» رویکردها و زوایای مطالعه و تحقیق از لحاظ معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است؛ ازاین‌رو شناخت پدیده‌های پیچیده، جز در پرتو رهیافت‌های تلفیقی و میان‌رشته‌ای ممکن نیست. «جریان اجتماعی» نیز، یکی از پدیده‌های اجتماعی است که هویتی چندوجهی دارد. چراکه مطابق تعریف برگزیده، جریان پدیدهٔ اجتماعیِ پویا و سیال با هویتی شبکه‌ای (=سیستمی) غیررسمی، متشکل از مجموعهٔ اصول و فروض معرفتی (=نظام مشترک معنایی) است که جمعیتی نظام یافته(=مدیریت شده) براساس آن عمل می‌کنند و اثر می‌گذارند. بنابراین، برای شناخت آن به‌صورت علمی و ارتقای جریان‌شناسی، از محصولی ژورنالیستی به دانش، نیازمند تنقیح روش‌شناسی آن هستیم.

مطالعات میان‌رشته‌ای، بینش‌های رشته‌ها و روش‌های تخصصی را در راستای فهم پدیده‌ای پیچیده به‌صورت منظم و روش‌مند به خدمت می‌گیرد. از جمله مراحل مهم فرایند این مطالعات انتخاب دانش‌ها و روش‌های بالقوه مرتبط با موضوع است تا محقق با بررسی آن‌ها به کفایت نظری در موضوع دست یابد. درصورتی‌که روش‌ها

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

و دانش‌های دخیل در شناخت ابعاد موضوع پیچیده به‌خوبی احصا و بررسی نشوند، نتیجهٔ مطالعه نیز به همان نسبت ناقص و ناکارآمد خواهد بود.

در این مقاله تلاش شـــده اســـت با روش توصیفی ـ تحلیلی و با اســـتفاده از منابع کتابخانه‌ای، منابـــع، علوم و روش‌هایی که در فرایند مطالعهٔ میان‌رشـــته‌ای جریان‌شناســـی به آن‌ها نیاز داریم احصا و بررسی شود و با نشان دادن جایگاه هر کدام در فرایند تحقیق قدمی در مســـیر تنقیح روش‌شناسی جریان‌شناسی برداشته شـــود. مطابق این بررسی، جریان‌شناسی به علوم و منابع معرفتی نیازمند است که می‌توان آن‌ها را در ســـه بسته، «بستهٔ الگویی»، «بستهٔ محتوایی» و «بستهٔ روشی»، تقسیم‌بندی کرد.

کلیدواژه‌ها: جریان، جریان‌شناســـی، روش میان‌رشـــته‌ای، روش‌شناســـی، مدیریت، روش تاریخی، جامعه‌شناسی معرفت.

مقدمه

مطابق معروف‌ترین و رســـاترین تعریف‌ها از میان‌رشتگی، «مطالعات میان‌رشته‌ای فرایند پاسخ به یک پرســـش، حل یک مسئله یا مواجهه با یک موضوع است که گستردگی یا پیچیدگی آن به حدی است که نمی‌توان به‌درستی از طریق یک رشتهٔ علمی واحد با آن مواجه شد؛ این فرایند از دیدگاه‌های چند رشتهٔ علمی سود جسته و بصیرت‌های حاصل از این رشته‌ها را به منظور ایجاد فهمی جامع‌تر یا پیشرفت شناختی تلفیق می‌کند»[1] (آلن ریکو، ۱۳۹۶: ص ۲۹؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶: ص ۳۱؛ متین، ۱۳۹۲: ص۱۱۱).

موضوع مطالعات میان‌رشـــته‌ای موضوعی «پیچیده» است. پیچیدگی را می‌توان «مطالعهٔ رفتار سیســـتم‌ها» تعریف کرد. از همینجاست که مفهوم «سیســـتم» موضوع مطالعات میان‌رشته‌ای قرار می‌گیرد. پیچیدگی در حوزهٔ میان‌رشته‌ای بدین معناست که یک مسئله دارای اجزای متعددی است و هر جزء ماهیت رشـــته‌ای متفاوتی دارد. به‌طورکلی پیچیدگی مفهومی کلیدی در تعریف معاصر از میان‌رشتگی اســـت. درواقع ماهیت سیستم‌های پیچیده، توجیهی منطقی برای میان‌رشتگی ارائه می‌دهند. بنابراین، موضوع میان‌رشته‌ای مســـئله‌ای است که: ۱. پیچیده است؛ ۲. حداقل دو رشته دربارهٔ آن اظهارنظر کرده‌اند؛ ۳. هیچ کدام از رشـــته‌ها قادر نیستند به‌تنهایی درکی جامع از آن ارائه

۱. از نظر تاریخی، تعریف قدیمی آکادمی علوم آمریکا از میان‌رشتگی جزو قدیمی‌ترین تعاریف است. تعریف فوق ویرایش و به‌روزرسانی آلن ریکو و دیگر میان‌رشته‌ای‌پژوهان از آن تعریف است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

دهند (آلن ریکو، ۱۳۹۶: ص ۲۵۶؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶: صص ۳۴، ۲۰۳، ۲۰۵).

از طرف دیگر مفهوم «جریان‌شناسی» و «جریان» از مفاهیم جدید و پرتکرار در فضای فکری و سیاسی دهه‌های اخیر، پس از انقلاب اسلامی‌اند؛ امروزه دیگر برای اندیشمندان عرصه‌های فکر، فرهنگ و سیاست «جریان» و «جریان‌شناسی» واژه‌هایی غریب نیستند. این مفاهیم با قیدها و پسوندهای مختلف «فکری»، «فرهنگی»، «سیاسی» و برخی قیود خاص‌تر رواج یافته و جلسات متعددی با این موضوعات برگزار شده و می‌شود. محققین مختلف، با الگوهای نظری و خلاقیت‌های شخصی متفاوت، پدیده‌های تاریخی، فکری و اجتماعی را توضیح می‌دهند و به مقوله‌بندی اندیشه‌ها و طبقه‌بندی کنش‌گران فرهنگی و تبیین پدیده‌های اجتماعی می‌پردازند و به نوعی مسیر تاریخ و جامعه را ترسیم می‌کنند.

معرفت برآمده از جریان‌شناسی ادبیاتی پرجاذبه و پرنفوذ دارد و این باعث شده توسعهٔ ادبیات جریان‌شناسی، با سرعت بالایی، ادامه پیدا کند. اما چالش اصلی اینجاست که نوپدید بودن این مباحث در جامعهٔ امروزِ ایران و کثرت مدعیان این حوزه و عدم تنقیح مبانی، منطق و روش این مباحث، سوءتفاهم‌ها، تشتت آراء و درهم‌ریختگی معرفتی را به‌دنبال داشته است و مخاطبان را دچار سردرگمی و تحیّر کرده است. این تشتت‌ها و سوءتفاهم‌ها به‌قدری است که جریان‌شناسی مخالفان و موافقانی جدی در میان اندیشوران پیدا کرده است.

بدیهی است که حل مشکل جز در پرتو نگاه درجه دومی به «جریان‌شناسی» به‌دست نمی‌آید. اگر بخواهیم از این تشتت‌ها و سوءتفاهم‌ها رهایی یابیم، به‌نظر می‌رسد لازم است تا جریان‌شناسی موضوع مطالعه‌ای دقیق و مستوفی قرار گیرد تا از این طریق، این دسته از معرفت‌ها را در جایگاه واقعی‌اش قرار دهیم، ارزش و روش آن را روشن کرده و منطق و الگویی مشخص و متناسب برایش توصیه کنیم. بدین منظور ناگزیریم کار علمی و دقیقی روی نفسِ جریان‌شناسی انجام دهیم.

مقالهٔ «بررسی تحلیلی نظریه‌های مطرح درمفهوم‌شناسی «جریان» و «جریان‌شناسی»» قدم اول این کار را برداشته و با بررسی تحلیلی نظریات مطرح دربارهٔ مفهوم جریان و جریان‌شناسی و نقدوبررسی آن‌ها، بستر ارائهٔ تعریفی جامع و منتخب از جریان و جریان‌شناسی را فراهم کرده و در پایان تعریفی مختار از جریان ارائه داده است. مطابق این تعریف، جریان حقیقتی اجتماعی پویا و زنده است که در متن جامعه حیات دارد. این حقیقت از ابعادی تشکیل شده است که به‌صورت نظام‌وار با یکدیگر در ارتباط‌اند و هویتی سیستمی به جریان می‌بخشند. مطابق آن تحقیق، «جریان پدیدهٔ اجتماعیِ پویا و سیال با هویتی شبکه‌ای (=سیستمی) غیررسمی، متشکل از مجموعهٔ اصول و فروض معرفتی (=نظام مشترک معنایی) است که جمعیتی نظام یافته(=مدیریت شده) بر اساس

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

آن عمـــل می‌کنند و اثر می‌گذارند». همچنین مطابق بررســـی صورت گرفتـــه در آن مقاله، هرچند مشـــابه تولیدات جریان‌شناسانهٔ فعلی، تحقیقاتی هم در غرب و هم در تراث بومی ما دیده می‌شود، اما جریان‌شناســـی، آنگونه که امروزه در کشور ما رایج شده است، امری نو و بدیع و جدید است و سابقه ندارد (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۷الف).

در راســـتای تلاش علمی جهت برطرف کردن تشتت‌ها و سوءتفاهم‌های موجود دربارهٔ هویت جریان‌شناسی، مقالهٔ «تحلیل عناصر و ابعاد حقیقت چندبعدی اجتماعی ـ معرفتی «جریان» به‌مثابهٔ موضوع دانش جریان‌شناسی»، برای تثبیت هویت دانشی «جریان‌شناسی»کوشیده است. بدین معنا که جریان‌شناسی نه یک‌سری گزاره‌های متفرق و تبلیغاتی ـ ژورنالیستی، بلکه دانشی میان‌رشته‌ای با روش‌شناسی خاص خود است. این دانش که موضِع «رئالیسم معرفتی» را پشتوانهٔ معرفت‌شناختی خود قرار داده است، در سنت حکمت اسلامی تعریف می‌شود. باتوجه‌به انضباط‌های حاکم بر این ســـنت نظری، علوم به موضوع خود تعریف می‌شوند. براین‌اســـاس جریان‌شناسی دانشی است که دربارهٔ جریان (اجتماعی) بحث می‌کند (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۷ب).

مطابق تعریفی که از جریان بیان شـــد، جریان یکی از سیستم‌های اجتماعی است و پیچیدگی در ذات آن وجود دارد؛ بنابراین، جریان‌شناسی جز از طریق رهیافت میان‌رشته‌ای و تلفیقی حاصل نمی‌شـــود. لذا لازم است برای جلوگیری از آسیب‌ها و حل مشکلات ادبیات جریان‌شناسی، فرایند جریان‌شناســـی به‌صورت علمی منقح شود تا جریان‌شناســـی بتواند به‌منزلهٔ یک دانش رشد و ارتقا یابد.

در این مقاله تلاش شـــده اســـت، قطعه‌ای از پازل این فرایند روشن شود. بدین منظور با روش توصیفی ـ تحلیلی و با اســـتفاده از منابع کتابخانه‌ای علوم و روش‌هایِ دخیل در این فرایند را احصا نموده، روش مطالعهٔ میان‌رشته‌ای جریان‌شناسی جایگاه هرکدام را روشن سازد.

جایگاه رشته‌ها و روش‌های تخصصی در فرایند عام مطالعات میان‌رشته‌ای

هـــر دانش تخصصـــی از زاویهٔ دید خاصـــی به جهان می‌نگرد و براســـاس آن زاویهٔ نگاه اشـــیاء را می‌شناسد. به‌عبارتی، تمامی علوم و دانش‌های تخصصی موجودات جهان هستی را از جنبهٔ خاصی بررســـی می‌کنند که آن جنبه همان حیثیت خاصی از موضوع آن‌هاســـت(ابن سینا، ۱۴۰۴: صص ۱۶-۳؛ مصبـــاح یزدی، ۱۳۹۱: صص ۱۵۰-۹۱؛ مطهری، ۱۳۷۷الف: ص ۱۳۱؛ همو، ۱۳۷۷ب:

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

صص ۲۴۰-۲۵۵).[۱] اما موضوع مطالعات میان‌رشته‌ای، پدیده‌های پیچیده‌اند.. بنابراین به‌صورت خلاصه می‌توان موضوع را سیستم‌های پیچیده دانست که ذاتاً هویتی چندوجهی و چندبعدی دارند (آلن ریکو، ۱۳۹۶: ص ۱۲۱؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶: صص ۳۴ و ۲۰۳).

مطالعهٔ میان‌رشـــته‌ای، رویکرد و روشی در عرض مطالعات تخصصی و رشته‌ای نیست، بلکه هر مدل میان‌رشته‌ای در دل خود از تعدادی روش و دانش تخصصی بهره می‌گیرد. راه میان‌رشتگی از رشـــته‌های تخصصی می‌گذرد. به‌عبارتی، پژوهشگر میان‌رشته‌ای پدیدهٔ چندوجهی را از زوایای رشـــته‌های مختلف بررســـی می‌کند و هر بعد از آن را از طریق رشته‌ای خاص رمزگشایی می‌کند و از تاریکی به روشنایی می‌آورد (آلن ریکو، ۱۳۹۶: صص ۱۷۸، ۱۹۳-۱۹۴؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶: صـــص ۳۶، ۳۸، ۷۷، ۱۰۰-۹۹، ۵۲۸؛ بـــرازو، ۱۳۸۷: ص ۷۰؛ فوردمن، ۱۳۸۷: ص ۲۵۸؛ مـــورن، ۱۳۸۷: صـــص ۲۵۳-۲۵۲؛ متین، ۱۳۸۸: صـــص ۱۱۳-۱۱۲؛ فرامرز قراملکی و سیاری، ۱۳۸۹: ص ۷۹).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت در مطالعهٔ میان‌رشـــته‌ای، از سیســـتم پیچیده به شبکهٔ مسائل و از شبکهٔ مسائل به مدل سیســـتمی حرکت می‌کنیم. از این رو سیر حرکت میان‌رشته‌ای‌پژوهی حرکت از وحدت به کثرت و ســـپس از کثرت به وحدت است. از سیستم که کل واحد است، مجموعه‌ای از مســـائل تولید می‌شود و به کثرت می‌رســـد. در این مرحله علوم جزئی و تخصصی به‌میان آمده و پاســـخ تک گزاره‌ها احصا و تحقیق می‌شـــود تا تحقیق به کفایت بینشی در رشته‌های تخصصی دست یابد. ســـپس در مرحلهٔ بعد، گزاره‌های کثیر جزئی به‌دســـت آمده، براساس منطق سیستم‌ها نظریه‌پردازی شـــده و به تلفیق و انسجام می‌رسند و در قالب ارائهٔ مدل، سیستم به وحدت خود باز می‌گردد. بر همین اساس، می‌توان فرایند مطالعهٔ میان‌رشته‌ای را اینگونه تصویر کرد:[۲]

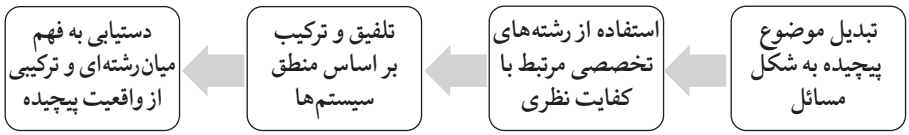

نمودار ۱ - فرایند مطالعهٔ میان‌رشته‌ای

۱. دربارهٔ اینکه هر علمی از حیث خاصی به واقعیت تقرّب پیدا می‌کند و جهت خاصی از جهات اشـــیاء را می‌کاود، حکمای اسلامی به‌صورت مفصل بحث و گفت‌وگو کرده‌اند. ارجاعات مطروحه، نمونه است.

۲. آلن ریکو نیز در صفحهٔ ۴۵ کتاب «پژوهش میان‌رشته‌ای: نظریه و فرایند»، با نموداری شبیه نمودار فوق، با عباراتی متفاوت، به سه جزء از اجزای این نمودار اشاره می‌کند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

بنابراین مطالعهٔ میان‌رشـــته‌ای ســـیری از وحدت به کثرت و از کثرت به وحدت دارد؛ ســـیر از وحدت موضوع به کثرت مســـائل و دانش‌ها و بهره‌مندی از روش‌های تخصصی متناســـب و سپس ســـیر از کثرت اطلاعات به وحدت فهم میان‌رشته‌ای. در این فرایند، رسیدن به‌حدّ کفایت بینشی و نظری در رشـــته‌های تخصصی، نقطهٔ پایانی سیر از وحدت به کثرت است و نقطهٔ آغاز فرایند تلفیق و ترکیب محسوب می‌شـــود. کفایت بینشی بدین معناست که «به اندازهٔ کافی درمورد رشتهٔ در نظر گرفته شده بدانیم تا درکی پایه از رویکرد آن رشته به مسئله و اینکه چه بینشی درمورد آن ارائه می‌دهد به‌دست آوریم» (آلن ریکو، ۱۳۹۶: صص ۳۱۹ و ۳۵۸).

محقق میان‌رشته‌ای، بعد از طراحی شـــبکهٔ مسائل موضوع خویش، به سراغ «رشته‌های بالقوه مرتبط» می‌رود. منظور از رشـــته‌های بالقوه مرتبط، دانش‌هایی اســـت که پدیدهٔ بررسی شده را در حیطهٔ پژوهشـــی خود جای می‌دهنـــد؛ هرچند بالفعل دربارهٔ آن حرفی نزده باشـــند، نظریه‌ای ارائه نکرده باشند و یا کتاب و مقاله‌ای ننوشته باشند (همان: ص ۲۷۲). به‌عبارتی، محقق باید بررسی کند متغیرها و مســـائل موضوع، در کدام دانش‌ها قابل‌بررســـی‌اند. احصاء و سپس انتخاب همه یا تعدادی از دانش‌های مرتبط و دخیل در موضوع، خود گامی مهم در موفقیت مطالعهٔ میان‌رشـــته‌ای اســـت و نیازمند تصمیم‌گیری هوشمندانهٔ محقق اســـت. پس از این مرحله، محقق میان‌رشته‌ای به سراغ علوم و روش‌های مرتبط می‌رود و اطلاعات و نظریه‌های مرتبط با شبکهٔ مسائل را جمع‌آوری می‌کند.

بنابراین، بررســـی دانش‌ها و روش‌های تخصصی دخیل در شـــناخت موضوع، از مراحل مهم مطالعهٔ میان‌رشـــته‌ای و جامع پدیده به‌شمار می‌آید. بدون این مرحله ـ که جزئی از گام دوم نمودار بالا محســـوب می‌شـــود ـ اطلاعات کامل جمع‌آوری نمی‌شـــود و مطالعهٔ جامع و کارآمد حاصل نخواهد شد.

شبکهٔ متغیرهای جریان اجتماعی

مطابق تعریفی که از جریان ارائه شـــد ، هویت اجتماعی، نظام مشـــترک معنایی، سیلان و پویایی (حرکت)، جمعیت و افراد، مدیریت و رهبری، اثرگذاری، عدم‌رسمیت و ناآگاهی و هویت شبکه‌ای ارکان و ابعاد جریان معرفی شـــدند. براســـاس توضیحاتی که داده شـــد، هویت شبکه‌ای، به‌منزلهٔ جنس بعید جریان اســـت و روح حاکم بر ارکان آن را معرفی می‌کند و اجتماعی‌بودن، جنس قریب آن. بنابراین، جریان را می‌توان سیســـتم اجتماعی باز ارگانیک دانســـت و آن را اینگونه تعریف کرد: «جریان، سیستمِ بازِ اجتماعی پویا و متحرکِ غیررسمیِ ارگانیکِ هدف‌مند یا آرمان‌مند است که از

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

مجموعهٔ اصول و فروض معرفتی تشکیل شده که جمعیتی نظام‌یافته براساس آن عمل می‌کنند و اثر می‌گذارند» (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۷ب).

دراین‌میان، «هویت شـبکه‌ای» به روح حاکم و ساختار جریان اشـاره دارد و منطق مواجهه و تحلیل آن را مشخص می‌کند و «غیررسمی»بودن به نوع فعالیت جریان اشاره دارد. همچنین «هویت اجتماعی»، «سـیلان و پویایی» و «مدیریت و رهبری» عناوینی ثانوی و تأکیدی هستند. بنابراین، در روش‌شناسی بیشتر از همه بر سه رکن «نظام مشترک معنایی»، «جمعیت و افراد» و «اثرگذاری» ناظر هستیم و در این میان نیز «نظام مشترک معنایی» و «اثرگذاری» از مابقی پراهمیت‌ترند.

بنابراین، جریان سیسـتمی منسجم و سـازمان‌یافته، اما غیررسـمی (و عموماً ناآگاهانه)، از ارکانی اسـت که از اصول و فروض مشترک میان افراد آغاز می‌شـود و به جمعیت و افراد هویت و معنایی جدید می‌بخشـد. متناسب با این اصول و فروض مدیریتی بر افراد شکل می‌گیرد که افراد را ـ متناسـب با محیط ـ به سمت اثرگذاری هدایت می‌کند. و این ارتباط چند سویه ادامه پیدا می‌کند تا زمانی که جریان بمیرد.

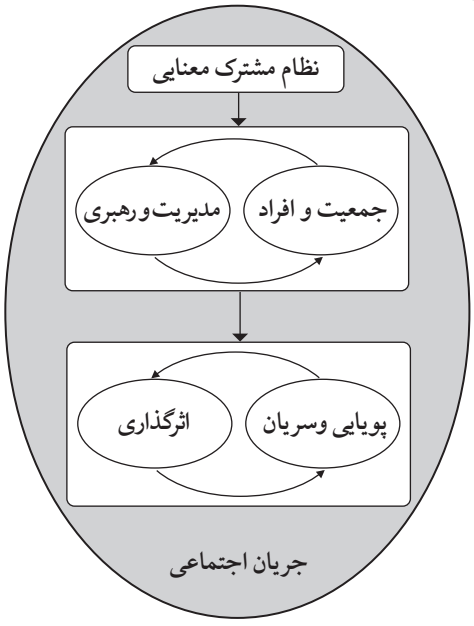

نمودار ۲ - ترابط اجزای درونی جریان در ساحت عمل

جریان به‌مثابهٔ سیسـتم، یک «کل» اسـت که از «اجزاء مرتبط و منسجم» تشکیل شده است. هویت سیسـتمیِ جریان مشخص می‌کند که هیچ عاملی را نمی‌توان جدا از دیگر عوامل شناخت. جریان از آن حیث که هویتی سیسـتمی و شبکه‌ای دارد، متشکل از عناصری است که هر عنصر بر

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

دیگر عناصر تأثیر می‌گذارد و متقابلاً از عناصر دیگر تأثیر می‌پذیرد (اسکات، ۱۳۹۳: ص ۴۳).

باتوجه‌به این توضیحات، می‌توان شبکهٔ متغیرهای جریان را این‌چنین تصویر کرد:

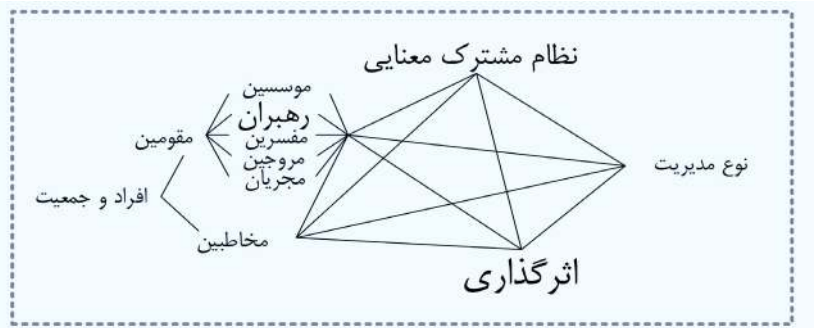

نمودار ۳ - روابط میان ارکان یک جریان اجتماعی

براساس آنچه در فرازهای قبل بیان شـــد، در فرایند مطالعهٔ میان‌رشته‌ای جریان‌های اجتماعی، یکی از بزنگاه‌های مهم شناســـایی علوم و روش‌های مرتبط و دخیل در شناخت جامع این متغیرها و روابط آن است.

دانش‌ها و روش‌های دخیل در جریان‌شناسی

در روش میان‌رشـــته‌ای جریان‌شناسی، بعد از تولید شبکهٔ مسائل جریان که قدم اول شناخت عمیق است و به‌منزلهٔ موضوع و مسئله‌شناسی تحقیق عمل می‌کند، نوبت به انتخاب دانش و روش‌هاست. در این مرحله، الگوی مطالعهٔ میان‌رشـــته‌ای جریان‌شناسی، شبکه‌ای از دانش‌ها و روش‌های دخیل و مرتبط با مسائل و متغیرهای جریان را معرفی و توصیه می‌کند.

به‌طورکلی، روش‌ها، علوم و منابع معرفتی که در جریان‌شناسی به آن‌ها نیاز است را می‌توان در سه بسته تقسیم کرد: «بستهٔ الگویی»، «بستهٔ محتوایی» و «بستهٔ روشی». جریان‌شناس با تسلط بر علوم بســـتهٔ الگویی و اشراف بر ابزارهای بستهٔ روشی سراغ منابع بستهٔ محتوایی می‌رود و گزاره‌های معرفتی را، که در جریان‌شناسی نیاز دارد، استخراج می‌کند.

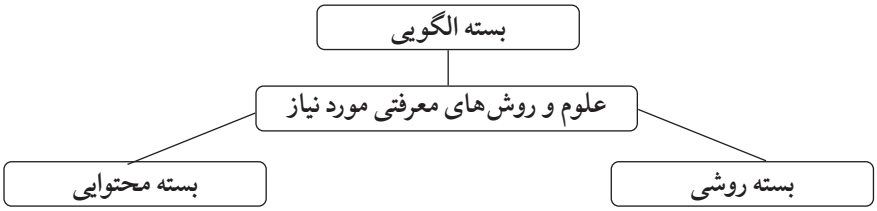

نمودار ۴- معرفی اجمالی بسته‌های معرفتی دخیل در جریان‌شناسی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

۱. بستهٔ الگویی

بســتهٔ الگویی به مجموعهٔ دانش‌هایی اطلاق می‌شــود که محتوای آن‌ها در روند جریان‌شناســی، نقش الگو و قالب‌های کلی را ایفا می‌کند. جریان‌شناسی، در مقایسه با این دانش‌ها، مصرف‌کننده اســت. درواقع این دانش‌ها، کبراهای حاکم بر ابعاد جریان را در اختیار جریان‌شناس می‌گذارند. جریان‌شــناس با دانســتن این کبراها، هنگامی‌که سراغ منابع (بســتهٔ محتوایی) می‌رود، صغراها و مصادیق کبراهای بستهٔ الگویی را جســت‌وجو می‌کند. به‌عبارتی، دانش‌های بستهٔ الگویی، روابط برخی متغیرهای جریان را به‌صورت عام بررســی می‌کنند؛ بنابراین، در جریان‌شناســی آن‌ها نقش دانشی خرد و مصرف‌کننده دارند.

اصلی‌ترین دانش‌های بســتهٔ الگویی، عبارت‌اند از «جامعه‌شناســی معرفت»، «روان‌شناسی معرفت»، «مدیریت و رفتار سازمانی» و «نظریه‌های ارتباطات، تبلیغات و رسانه».

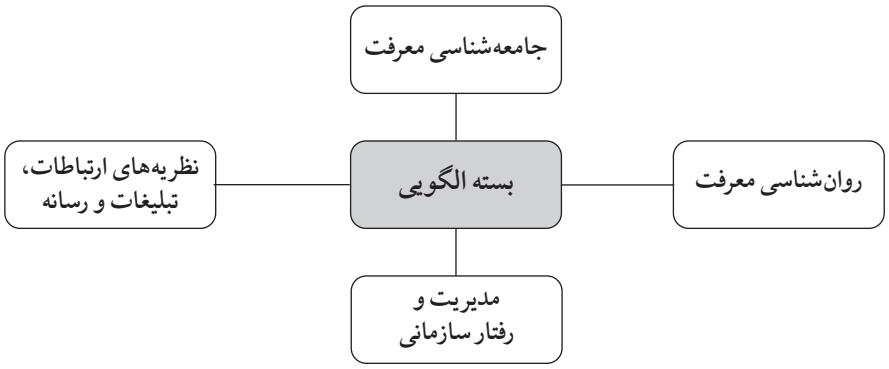

نمودار ۵- معرفی علوم بستهٔ الگویی

۱-۱. جامعه‌شناسی معرفت (و علم)

جامعه‌شناســی معرفت،[1] در معنای کلی و عام آن، شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که رابطهٔ فکر و جامعــه را مطالعه می‌کند (گلیوور و دیگران، ۱۳۸۸: صص ۱۳-۱۲). در جامعه‌شناســی معرفت، جامعه‌شناســان به‌دنبال کشــف ارتباط میان دو نوع از پدیدارهای اجتماعی‌اند. در یک ســوی این رابطــه، معرفت (انواع مختلف نظام‌های فکری، اندیشــه و فرهنــگ، فراورده‌های ذهنی، معرفت علمی، معرفت دینی، معرفت فلسفی، معرفت سیاسی، معرفت حقوقی، هنر و ...) به‌منزلهٔ پدیده‌ای اجتماعی درنظر گرفته می‌شود و در جانب دیگر شرایط اجتماعی وجودی (عوامل نهادی، ساختی،

1. The Sociology of knowledge

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

شخصیتی، فرهنگی سیاسی و ...) قرار دارد. جامعه‌شناسی معرفت می‌خواهد چگونگی این ارتباط را دریابد و فرایندی را که از طریق آن انواع معرفت شـــکل می‌گیرد و ثبات و تحول می‌یابد بررســـی کند (کوزر و دیگران، ۱۳۸۹: صص ۱۱، ۳۱؛ مانهایم، ۱۳۸۰: صص ۳۴۰، ۳۶۱-۳۴۳؛ مولکی، ۱۳۸۹: صص ۱۲-۱۱؛ اژدری‌زاده، ۱۳۹۰: صص ۳۰-۲۶؛ علیزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ص ۲۶).

درواقع این مطلب که چگونه معرفت به‌لحاظ اجتماعی تشـــخّص و تعیّن می‌یابد، همان است که به مسئلهٔ «تعیّن اجتماعی معرفت» موسوم است و مسائل اصلی، و بلکه هستهٔ مرکزی، مباحث جامعه‌شناســـی معرفت را تشـــکیل می‌دهد (اژدری‌زاده، ۱۳۹۰: صـــص ۳۰-۲۹؛ علیزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ص ۲۶). جامعه‌شناســـی معرفت این مسئله را تحلیل می‌کند که چرا گروه‌های گوناگون، در دوره‌های خاص و تحت شـــرایط ویژه، بیشـــتر احتمال دارد که با مسائل و معضلات معیّنی درگیر باشند و اینکه چرا آنان احتمالاً با دیدگاه‌های خاصی دست‌وپنجه نرم می‌کنند (توکل، ۱۳۷۰: ص ۱۳۴). اگر بخواهیم موضوع جامعه‌شناســـی معرفت را به‌طور خلاصه بیان کنیم، باید بگوییم جامعه‌شناسی معرفت، دانشی است که «ابعاد اجتماعی علم و معرفت» را بررسی می‌کند.[۱]

نمونه‌ای از سؤالاتی که جامعه‌شناسی معرفت (و علم) با آن مواجه است به این شرح‌اند: کدامیک از عوامـــل فرهنگی و اجتماعی، به چه میزان بر فراورده‌های ذهنی اثر می‌گذارند؟ چه ارتباطی میان تأثیرات فرهنگی و اجتماعی و فراورده‌های ذهنی وجود دارد؟ این تأثیرات تمام فراورده‌های ذهنی را شـــامل می‌شود یا فقط بخشی از آن‌ها را و همچنین، این تأثیرات از طرف بخشی از عوامل فرهنگی و اجتماعی است یا تمامی آن‌ها؟ (مولکی، ۱۳۸۹: صص ۱۳-۱۲)

واضح اســـت که این سؤالات -خصوصاً دو ســـؤال اول- از مجموعه پرسش‌های شبکهٔ مسائل جریان‌شناسی اســـت. آشـــنایی با این دانش، در فهم ارتباطات میان نظام مشترک معنایی جریان و عوامـــل اجتماعی، محیطی و فرهنگی شـــکل‌دهنده و مؤثر بر آن تأثیرگذار اســـت (خســـروپناه، ۱۳۹۲). جریان‌شـــناس با اطلاع از روابط میان این دو متغیر، هنـــگام مطالعهٔ تفصیلی جریان، به کشف مصادیق آن‌ها می‌پردازد.

۱-۲. روان‌شناسی معرفت

فعالیت‌های شـــناختی و رفتارهای حرفه‌ای دانشـــمندان، یا هر کنشـــگر خلاق، که منجر به تولید فراورده‌های معرفتی می‌شـــود، در خلأ صورت نمی‌پذیرند. اندیشوران، همچون انسان‌های دیگر،

۱. لازم به ذکر اســـت که «معرفت‌شناسی اجتماعی» عنوان دانشی اســـت که گاهی معادل «جامعه‌شناسی معرفت» استعمال می‌شود. برای‌نمونه ر.ک: گلدمن، ۱۳۹۵: ص ۱۱.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

در یک متن زیســتی، روان‌شــناختی و اجتماعی زندگــی و کار می‌کنند. آن‌ها شــجره‌نامه دارند و خصوصیات و صفات زیســتی خود را از خانوادهٔ خویش به ارث می‌برند، در محیط خانواده رشــد می‌کنند و از آن تأثیر می‌پذیرند، خصوصیات شخصیتی و ویژه‌ای پیدا می‌کنند، هیجان‌ها و انگیزش‌ها بــر آن‌ها تأثیرات عمیقی برجای می‌گذارند و حتی هنگامی‌که در مقام دانشــمندان صاحب‌نام و با تجربه در آزمایشگاه‌های‌شــان و یا در کتابخانه به فعالیت علمی مشغول می‌شوند، موجوداتی متأثر از حضور همکاران و رفتارهای ارزیابانهٔ آن‌ها هســتند. محیط زیســتی، روان‌شناختی و اجتماعی احاطه‌کنندهٔ دانشمند به‌وضوح رفتار علمی او را مشروط می‌سازد و تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف اصلی روان‌شناســیِ علم شناخت دقیق این تأثیرات و مکانیســم‌های تأثیرگذاری است (موسوی، ۱۳۹۰: ص ۲).

روان‌شناسی علم و معرفت، قلمرویی نوظهور از علم‌پژوهی است که علم روان‌شناسی را برای مطالعهٔ رفتارهای معرفتی اندیشــوران به خدمت می‌گیرد (همان: ص ۱۰). درواقع روان‌شناســی علم ازیک‌سو در عرض حوزه‌های دیگر علم‌پژوهی همچون فلسفهٔ علم، تاریخ علم، جامعه‌شناسی علم و اقتصاد علم قرار دارد و از دیگر ســو، ریشــه‌های خود را در دامــان مادر خویش، یعنی علم روان‌شناســی، می‌جوید. روان‌شناسی علم با بهره‌گیری از محتویات ســنتی موجود در جعبه‌ابزار قلمرو بزرگ‌ترِ روان‌شناسی، به بررسی ریشــه‌های عصب‌شناختی، خانوادگی، شخصیتی و عوامل خرد اجتماعی مؤثر بر عملکرد علمی ـ معرفتی اندیشــوران می‌پردازد و می‌کوشد فرایندهای متنوع درگیر در ذهن آنان را با استفاده از مدل‌های شناختی توصیف کند (همان: ص ۲۲).

روان‌شناســی معرفت، الگوهای کلان ارتباط میان نظام مشــترک معنایــی جریان و متغیرهای روان‌شناختی را در اختیار جریان‌شناس قرار می‌دهد. به پشتوانهٔ این دانش می‌توان در جریان‌شناسی به این سؤالات پاسخ داد که چه ارتباطی میان آن نظام معنایی خاص با محیط و ویژگی‌های شخصی جمعیت جریان وجود دارد؟ چه عوامل خانوادگی و ارثی یا ژنتیکی مؤســس جریان را بر آن داشته تا جریانی با چنین اصول و فروض معرفتی تأســیس کند؟ بنابراین از جمله دانش‌های بستهٔ الگویی جریان‌شناسی، روان‌شناسی علم و معرفت است (خسروپناه، ۱۳۹۲).

۱-۳. دانش مدیریت و رفتار سازمانی

«سازمان»[1] از مفاهیم نزدیک به مفهوم جریان است. در تعریف سازمان آورده‌اند: «سازمان پدیده‌ای

1. Organization

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

است اجتماعی که آگاهانه هماهنگ شده و دارای حد و حدود نسبتاً مشخصی است و تقریباً به‌طور مداوم برای تحقق یک هدف مشـــترک یا مجموعه‌ای از اهـــداف فعالیت می‌کند» (رابینز، ۱۳۹۶: ص ۲۲؛ رضائیان، ۱۳۹۵: ص ۱۱). گســـست مفهوم سازمان از مفهوم جریان ـ چنان‌که برخی مؤلفان به آن اشـــاره کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۹۰: ص ۱۲) ـ در عنصر رســـمیت و آگاهی اســـت. سازمان اساساً هویتی رسمی دارد و می‌کوشد آگاهانه افراد را به خدمت بگیرد؛ اما جریان ذاتاً ژله‌ای است و از رسمیت اِبا دارد.

مدیریت[1] عبارت است از عمل‌هایی که به‌صورت آگاهانه و مستمر، برای هماهنگی کوشش‌های اعضا انجام شده، و به سازمان، برای رسیدن به اهداف، شکل می‌دهد (الوانی، ۱۳۸۸: ص ۱۱). مدیر،[2] در هر ســـازمان، فردی است که وظیفهٔ او به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل براساس اهداف و نظام ارزشی قابل‌قبول از ســـوی سازمان است (رضائیان، ۱۳۸۴: ص ۷؛ همو، ۱۳۹۵: ص۸). براین‌اساس، «مدیریت» دانشـــی اســـت که از ســـازمان و مدیریت آن بحث می‌کند. شـــیوه‌های ســـامان‌دهی، هماهنگی، خط‌مشی‌دهی، نظارت، کنترل و سطوح و انواع مدل‌های مختلف مدیریت و رهبری از جمله مباحثی است که در این دانش بررسی می‌شود (رضائیان، ۱۳۹۵: ص ۱۵).

علم مدیریت و دانش‌های زیرمجموعه‌اش دارای مباحثی هستند که می‌توانند به‌منزلهٔ الگوهایی بـــرای فهم جریان به‌کار روند و برخی از قواعد کلـــی حاکم بر برخی متغیرهای جریان را در اختیار جریان‌شـــناس قرار دهند. مهم‌ترین این مباحث عبارت‌اند از شیوه‌های رهبری، شیوه‌های تعامل و ارتباط با محیط، عوامل مؤثر بر رفتار افراد.

هدایـــت از وظایف اصلـــی مدیر و رهبری از بخش‌هـــای مهم وظیفهٔ هدایت اســـت. رهبری فعالیت‌هایی است که جمعیت یا یک گروه را، برای تلاش مشتاقانه جهت رسیدن به اهدافی معین، ترغیـــب می‌کند و تحت تأثیر قرار می‌دهد (رضائیان، ۱۳۸۴: ص ۲۲۲؛ الوانی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۱؛ رضائیـــان، ۱۳۸۷: ص ۳۷۵؛ رابینز و جـــاج، ۱۳۹۶: صص ۴۱۵-۴۱۴). براین‌اســـاس، رهبری مســـتلزم «نفوذ کردن»[3] و «اثرگذاری بر افراد» اســـت (الوانی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۲). طریقی که رهبر از نفوذش برای رســـیدن به اهداف استفاده می‌کند، ســـبک رهبری نامیده می‌شود. یکی از مباحث

1. Management
2. Manager
۳. این قید، تا آنجا در تعریف رهبری اهمیت دارد که برخی معتقدند، اساســـاً «رهبری، فراگرد نفوذ است» (رضائیان، ۱۳۸۷: ص ۳۷۵).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

دانش مدیریت، بررســی الگوهای رهبری است که مطالعات زیادی دربارهٔ آن صورت گرفته است. نظریه‌های رفتار رهبری و اقتضایی و دیگر تقســیم‌بندی‌های مربوط به سبک‌های رهبری، دورنمایی از انواع و حالات رهبری در اختیار جریان‌شناس می‌گذارد و می‌تواند براساس آن‌ها، رهبری جریان را تحلیل و مطالعه کند[1] (الوانی، ۱۳۸۸: صص ۱۵۵-۱۴۴؛ رضائیان، ۱۳۸۴: صص ۲۳۰-۲۲۴؛ همو، ۱۳۹۵: صص ۴۸۲-۴۶۹؛ همو، ۱۳۸۷: صص ۴۰۵-۳۸۰؛ رابینز و جاج، ۱۳۹۶: صص ۴۲۹-۴۱۸، ۴۶۰-۴۳۸).

از مباحث مهم در نظریه‌های سازمان و مدیریت، اصول مدیریت محیط و راهبردهای تعامل با آن است. جریان از آن‌جا که در معنی سیستمی بازتعریف شد، حیات خود را در گروی تعامل سازنده و پایدار با محیط می‌بیند؛ بنابراین، این بحث از دانش نظریه‌های سازمان و مدیریت، کاربرد فراوانی در رفتارشناســی جریان خواهد داشت. برای نمونه، راهبردهای سازمان در مواجهه با محیط، به دو دســته، راهبردهای داخلی و راهبردهای خارجی، تقسیم می‌شوند. راهبردهای داخلی می‌کوشند از طریق تطبیق و تغییر اقدامات و فعالیت‌ها تناســب با محیط را ایجاد کنند و راهبردهای خارجی این هدف را در تغییر محیط می‌جویند (رابینز، ۱۳۹۶: ص ۳۶۷). انتخاب قلمرو، جذب و استخدام، کنکاش محیطی، ایمن‌ســازی، یکنواخت‌سازی، ســهمیه‌بندی و پراکندگی جغرافیایی، نمونه‌های راهبردهای داخلی تعامل با محیط است (رابینز، ۱۳۹۶: ص ۳۷۳-۳۶۸). تبلیغات، مذاکره (رابینز و جاج، ۱۳۹۶: صص ۵۲۴-۵۱۵)، قرارداد، تصاحب و نمک‌گیر کردن، ائتلاف‌ســازی و نفوذ به دســتگاه‌های حکومتی و قانون‌گذاری، نمونه‌ای از راهبردهای خارجی تعامل با محیط محســوب می‌شوند (رابینز، ۱۳۹۶: صص ۳۷۶-۳۷۳؛ اسکات، ۱۳۹۳: صص ۳۵۵-۳۱۷). آشنایی با این تقســیم‌بندی‌ها، الگوی لازم برای شناخت تعاملات جریان با محیط را در اختیار جریان‌شناس قرار می‌دهد.

تحلیــل رابطهٔ میان رفتار افــراد (و اثرگذاری جریان) با اصول و مبانــی جریان و همچنین نوع مدیریت و ســاختار جریان، مجموعهٔ مهمی از پرســش‌های شبکهٔ مسائل جریان‌شناسی را تشکیل می‌دهند. دراین‌میان، دانش مدیریت رفتار ســازمانی، که از علوم اقماری رشتهٔ مدیریت محسوب می‌شــود، در ارائهٔ الگوهای کلان عوامل مؤثر بر رفتار فردی و جمعی به جریان‌شناس نقش مهمی ایفا می‌کند. درواقع مدیریت رفتار ســازمانی، دانشی میان‌رشته‌ای اســت که از متغیرهای مؤثر بر

۱. برای نمونه، جدول مقایســهٔ ویژگی‌های ســبک‌های رهبری آمرانه، میانه‌رو و مشــارکتی و شــناخت عملکردهای متفــاوت و خصوصیات آن‌هــا در موقعیت‌های متفاوت، به جریان‌شــناس بصیرتی قابل‌اعتنــا در مطالعهٔ جریان و پیش‌بینی عملکرد آن، ارائه می‌دهد (ر.ک: رضائیان، ۱۳۹۵: صص۴۸۶-۴۸۳).

رفتار و کنش افراد با هدف تغییر آن‌ها در جهت افزایش بهره‌وری سازمانی بحث می‌کند (رابینز و جاج، ۱۳۹۶: صص ۲۵-۲۴؛ رضائیان، ۱۳۸۷: صص ۱۶-۷؛ شفیعی و همکاران، ۱۳۹۱: صص ۲-۱). بنابراین، متغیرها و مفاهیم متنوعی را از دانش‌های روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی،[۱] جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی جمع‌آوری می‌کند که در رفتار انسان مؤثرند و سپس، با اهداف عملی و کاربردی، دربارهٔ آن‌ها بحث و گفت‌وگو می‌کند (رابینز و جاج، ۱۳۹۶: صص ۲۸-۲۷). متغیرهایی نظیر ویژگی‌های شخصیتی، نگرش، ادراک، انگیزش، ارزش‌ها، خُلق‌ها، تیم و گروه، ارتباطات، فرهنگ سازمانی،[۲] قدرت، تعارض و... .[۳] بنابراین، دانش رفتار سازمانی به جریان‌شناس در ارائهٔ الگوهای کلان عوامل مؤثر بر رفتارهای افراد جریان، که منجر به اثرگذاری می‌شود، کمک می‌کند.[۴]

۱. روان‌شناسی اجتماعی، دانشی میان‌رشته‌ای است که مفاهیمی از روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را دریکدیگر می‌آمیزد و با رویکرد روان‌شناسانه به بررسی متغیرهای اجتماعی مؤثر در رفتار (اعم از فکر، احساس و کنش) انسان می‌پردازد. درواقع تمرکز این دانش بر بررسی تأثیر افراد بر یکدیگر یا به‌عبارت‌دیگر، رفتار اجتماعی انسان است و می‌کوشد با کشف علل رفتارهای اجتماعی انسان، به پیش‌بینی و کنترل رفتارهای انسانی کمک کند. متغیرهایی نظیر، ادراک اجتماعی، شناخت اجتماعی، خود اجتماعی، نگرش، پیش‌داوری، جاذبهٔ میان‌فردی، دوستی، پرخاشگری، رفتار حمایتی، تبلیغات، افکار عمومی، شایعه، نفوذ اجتماعی و گروه و پویایی آن، در این دانش بررسی می‌شوند. چنان‌که از این توصیف روشن می‌شود، خود این دانش می‌تواند هم‌عرض روان‌شناسی معرفت، جامعه‌شناسی معرفت و مدیریت، یکی از دانش‌های بستهٔ الگویی جریان‌شناسی معرفی شود. چراکه از روابط کلان رفتار بحث می‌کند که در جریان‌شناسی به دنبال شناخت آن هستیم. اما از آنجا که امتدادها و سرریزهای این دانش نظری، به‌صورت کاربردی در دانش رفتارسازمانی و همچنین نظریه‌های رسانه متبلور شده است و آنچه از این دانش، هدف قرار گرفته، به‌صورت کاربردی در این دو دانش بررسی می‌شود و اصل در روش تحقیق، سادگی و کاربردی بودن است، از ذکر آن در فهرست بستهٔ دانش‌های الگویی اجتناب شد (بارون و دیگران، ۱۳۸۸:ص۶-۲۷؛ سالاری‌فر و دیگران، ۱۳۹۳: صص ۷-۳؛ بدار و دیگران، ۱۳۹۲: صص ۴-۲؛ ستوده، ۱۳۹۲: صص ۱۹-۱۳؛ استوتزل، ۱۳۷۴: صص ۴۷-۲۴). بااین‌حال، از برخی مباحث بسیار مفیدی که در روان‌شناسی اجتماعی مطرح می‌شود و نقش مهمی در جریان‌شناسی دارد، نمی‌توان غفلت کرد. روان‌شناسی حرکت‌های اجتماعی (بدار و لامارش، ۱۳۹۲: ۳۳۹-۳۴۳) و روان‌شناسی رهبری و عوامل روان‌شناختی که باعث می‌شود شخصی رهبر شود و اشخاص دیگر نه (بارون و دیگران، ۱۳۸۸: صص۸۱۵-۸۱۰) نمونه‌ای از این مباحث است.

۲. نسبت مفهوم فرهنگ سازمانی به سازمان، تناسب معناداری با مفهوم نظام مشترک معنایی با جریان دارد؛ با این تفاوت که نقشی که ساختار در سازمان دارد را نیز نظام مشترک معنایی جریان به دوش می‌کشد. از میان متغیرهای مطروحه در رفتار سازمانی، فرهنگ سازمانی بیشترین ارتباط را با جریان‌شناسی (و همچنین جریان‌سازی) دارد. (رابینز و جاج، ۱۳۹۶: صص۵۸۴ -۵۶۷)

۳. ر.ک: رفتار سازمانی، استیون رابینز. مبانی مدیریت رفتار سازمانی، رضائیان؛ رفتار سازمانی با رویکرد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۴. نگارنده معتقد است، ظرفیتی که نظریه‌های سازمان برای طراحی و ایجاد یک سازمان دارد را دانش رفتار سازمانی برای ایجاد جریان دارد. به‌عبارت‌دیگر، چنان‌که برای طراحی یک سازمان، سراغ دانش مدیریت و نظریه‌های سازمان می‌رویم و براساس آن سازمان جدیدی را بنا می‌کنیم، دانش رفتار سازمانی، دارای ظرفیت بنیاد علمی برای

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

بنابرآنچه گفته شـــد، دانش مدیریت و علوم زیرمجموعهٔ آن بخش مهمی از کبراهای استنباطی جریان‌شناســـی را در اختیار جریان‌شناس قرار می‌دهند. سبک‌های رهبری، انحای تعامل جریان با محیط و عوامل مؤثر بر رفتار جمعیت جریان که منجر به اثرگذاری می‌شـــوند، از جمله اصلی‌ترین مباحثی هســـتند که الگوهای آن‌ها در دانش مدیریت بحث و بررســـی می‌شود.[1] بنابراین، هنگامی که جریان‌شناس، در مقام شـــناخت تفصیلی جریان، به منابع رجوع می‌کند از کنار عوامل مؤثر بر رهبری، شـــیوهٔ مدیریت، نحوهٔ تعامل با محیط و عوامل مؤثر بر رفتـــار افراد جریان، به‌راحتی عبور نخواهد کرد و ارتباط این ابعاد جریان را با ابعاد دیگر جریان درخواهد یافت.

۱-۳-۱. نظریه‌ها و تکنیک‌های رسانه

نظریه‌های ارتباطات و رسانه مجموعهٔ منســـجمی از مفاهیم، توصیف‌ها و تبیین‌هایی هستند که با خلاصه‌سازی مجموعه‌ای از دانش‌ها، نقشهٔ عملی ارتباطی روشنی برای فعالیت، کنترل و پیش‌بینی ارائه می‌دهند. نظریه‌های ارتباطات و رسانه درک ما را از نقش و تأثیر رسانه‌ها و ارتباطات در زندگی روزمره بســـط می‌دهند و کمک می‌کنند تا دانش ما از رســـانه‌های جمعی گسترش یابد. با شناخت انواع نظریه‌های رسانه و درک آن‌ها، امکان تفسیر رخدادها به شیوه‌هایی قابل انعطاف‌تر، سودمندتر و مشخص‌تر فراهم می‌آید (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳: صص ۱۸-۱۴).

رسانه مهم‌ترین ابزار انتقال و تولید فرهنگ در دنیای امروز است. جریان‌های مختلف، بر اساس الگو یا تکنیک‌های رســـانه‌ای و تبلیغاتی خاص خود، به ترویج تفکـــر و فرهنگ خود می‌پردازند. بنابراین، آشـــنایی با الگوهای رسانه‌ای و ارتباطی نقش مهمی در شناخت جریان دارد. با کمک این دانش می‌توان نظام ترویج و نوع فعالیت مروجان و مبلغان جریان‌ها را شناخت و شیوهٔ تبلیغاتی آنان را درک کرد، همچنین متناسب با هر نظام تبلیغی، قدرت اثرگذاری جریان را سنجید و پیش‌بینی کرد (یوسف‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۱۶).

جریان‌سازی اجتماعی است.

۱. البتـــه در کنار ایـــن عناوین، مباحث دیگری نیز در دانش مدیریت وجود دارد که هرچند به درجهٔ اهمیت این ســـه بحث نیســـتند، در شناخت جریان مفیدند که از میان آن‌ها می‌توان نحوهٔ شناخت محیط(رابینز، ۱۳۹۶: صص ۲۳۷-۲۱۱)، فنّـــاوری جریان (همان: صص ۲۰۶-۱۸۱)، راهبردهای جریان(همان: صص ۱۵۰-۱۳۷)، انحای تشـــکیل گروه و تیم (رابینز و جاج، ۱۳۹۶: صص ۳۰۰-۲۷۴) و... اشاره کرد. باتوجه‌به آنکه مدیریت جزء ذاتی جریان است، به‌نظر می‌رسد تمامی وظایف مدیریت و در نتیجه تمامی مباحث دانش مدیریت را می‌توان با ویرایش حذف رویکرد افزایش بهره‌وری ســـازمانی و رسوبات عنصر رسمیت مأخوذ در تعریف ســـازمان، برای روش‌شناسی جریان‌شناسی بازتعریف و بازتولید کرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

۲. بستهٔ محتوایی

پاســخ شبکهٔ مســائل جریان‌شناســی را می‌توان در مجموعه‌ای از دانش‌ها جست‌وجو کرد. بستهٔ محتوایی، منابع شــناخت جریان را معرفی می‌کند. منابع بســتهٔ محتوایی جریان‌شناسی عبارت‌اند از «تاریخ»، «فلسفه و تاریخ اندیشه»، «نظریه‌های جامعه‌شناسی، فرهنگ و سیاست» و «جامعه، عرف و مردم».

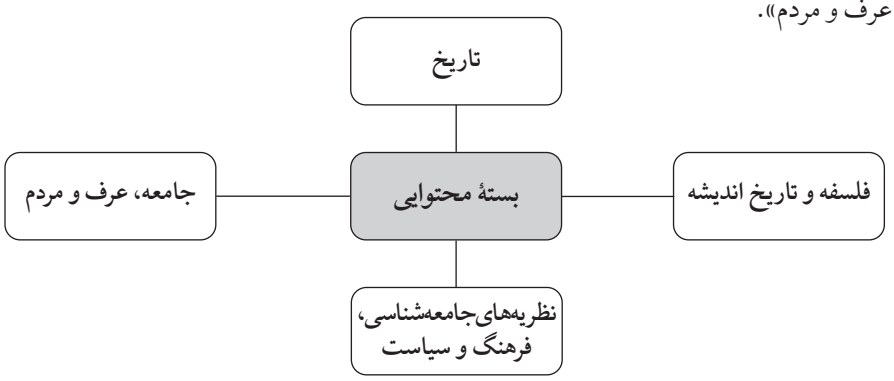

نمودار ۶- معرفی علوم بستهٔ محتوایی

۲-۱. تاریخ (به معنای عام)

تاریخ علم شــناخت جزئیات و امور فردی متعلق به زمان اســت و بــه مجموعه حوادث فرهنگی، طبیعــی، اجتماعی، اقتصادی، سیاســی و رویدادهایی گفته می‌شــود که در گذشــته و در زمان و مکان، در متن زندگی انســان‌ها و در رابطه با آن‌ها رخ داده است (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: صص ۳۰ و ۱۱۹؛ ملائــی توانی، ۱۳۹۰: صص ۲۵-۲۴؛ ایمــان، ۱۳۹۳: ص ۱۳۲). این رویدادها کردارها و دســتاوردهای مادی و معنوی انسان‌ها و هر آنچه گفته، اندیشیده و عمل کرده‌اند را شامل می‌شود. هرآنچه در جهان رخ می‌دهد و متعلق به زمان اســت ـ اعم از احوال، اعمال و اندیشه‌ها ـ موضوع تاریخ است (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۸۹: ص ۱۲). دانشِ تاریخ معرفتی است ناظر به وقایع جزئی و درک پدیده‌های فوق الذکر که در ذهن مورخ شــکل می‌گیرد و از نوع معرفت درجه یک اســت. به‌عبارت‌دیگر، علم تاریخ، بازگو کردن کلیهٔ اعمال گذشــتهٔ انســان اســت به‌گونه‌ای که نه تنها در جریان وقایع قرار می‌گیریم، بلکه علت وجود آن حوادث را نیز باز می‌شناســیم (مفتخری، ۱۳۹۳: ص ۱۳؛ ملائی توانی، ۱۳۹۰: صص ۱۸-۱۷).

بنابراین، «گذشــته» موضوع تاریخ اســت که به وســیلهٔ مدارک و آثاری که از آن باقی است در معرض نوعی تجربه و مشــاهدهٔ مورخ واقع می‌شــود. چون مورخ اســناد را حجت نمی‌داند، در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

اصالـــت، صداقت و دقت و اصابت آن‌ها تحقیق کرده، در تفســـیر و تحلیـــل مندرجات آن‌ها و در استخراج درســـت تمام محتویات آن‌ها اهتمام می‌ورزد. کار او، اگرچه مشاهده‌ای مستقیم نیست، نوعی تجربه است و چون بر استقراء تام مبتنی نیست و بر مشهورات و مظنونات تکیه دارد، قطعیتی که در تجربه و مشـــاهدهٔ مستقیم در علوم طبیعی حاصل می‌شود، از تاریخ حاصل نمی‌شود. از این روست که تاریخ، اساســـاً دانشی احتمالی و ظنّی اســـت (ملائی توانی، ۱۳۹۰: صص ۳۳-۳۲؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ص ۱۳۶).

تاریخ تنها گردآوری روایات یا مقایسهٔ آن‌ها و شناخت «واقعیت» حوادث گذشته نیست؛ بلکه ورای این کار به توجیه و تفسیر این «واقعیات» نیز نظر دارد که بین جزئیات رابطه برقرار کند و آن‌ها را به یکدیگر پیوند دهد. «این کار در واقع عبارت اســـت از تجدید بنای گذشته، به کمک مصالح و موادی که اینجا و آنجا از بقایای آوار حوادث باقی مانده اســـت. مصالح و موادی را که مورخ برای این بازسازی گذشـــته به‌کار می‌برد، از مدارک و اسناد پراکنده‌ای، که از دستبرد زمان در امان مانده است، به‌دست می‌آورد؛ البته تمام مصالح و مواد گذشته را نمی‌تواند در این بازسازی خویش به‌کار بـــرد و خواه‌ناخواه قســـمتی از آن را کنار می‌گذارد. بعلاوه وی چگونـــه می‌تواند این مواد و مصالح غیرمادی را ـ که به وسیلهٔ اذهان گواهان، راویان و ناقلان گذشته مکرر دستکاری شده است ـ تبدیل بـــه عناصر اصلی و واقعی کند که گذشـــته را آنچنان که بوده بنا می‌کرده اســـت؟ با این همه، برای آنکه تجدید بنا، هرقدر ممکن اســـت به اصل بنا بیشتر شباهت داشته باشد، باید هم در به‌کار بردن مصالح دقت کرد و هم در بازآفرینی نقشـــه و اصل بنـــا» (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ص ۱۳۸). بنابراین، اینکه آیا تاریخ همان واقعیات اســـت یا خیر، پرسشـــی درخور توجه در مبانی علم تاریخ است؛ اما پاسخ هرچه باشـــد، تاریخ تنها دسترسی ما به واقعیات در زمان گذشـــته است؛ هرچند منتخباتی ناچیز باقی‌مانده از آن باشند (کار، ۱۳۸۷: ص ۳۹).

جریان‌شناســـی، به یـــک اعتبار، مطالعه‌ای یکپارچه تاریخی اســـت؛ زیرا ناظر بر انســـان‌ها و اتفاقات اســـت، نه اموری کلی و انتزاعی. بنابراین، اطلاعاتی که جریان‌شناس برای جریان‌شناسی جمع‌آوری می‌کند، از ســـنخ گزارش‌های تاریخی اســـت، گزارش از انســـان‌ها (جمعیت جریان و نیروی انســـانی)، گزارش اتفاقات و تأثیرات (اثرگذاری و پویایی)، گزارش از نظرات، گفت‌وگوها، نامه‌ها، ســـخنرانی‌ها، کتاب‌ها و تفکرات (اصول و فروض و نظام معنایی مشترک). به‌عبارت‌دیگر، مطالعهٔ تاریخی در جایی اتفاق می‌افتد که یک فکر، انگاره، اندیشه یا مفهوم درحدّ فاصل انتقال از زمان الف به زمان ب دچار تفاوت موقعیتی شده باشد (پاکتچی، ۱۳۹۱: ص ۷۶). باتوجه‌به هویت پویا و در حال حرکت جریان، از لوازم ذاتی تعریف جریان ضرورت مطالعهٔ تاریخی است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

به‌طور خلاصه می‌توان گفت افراد مرتبط با جریان، جغرافیای جریان و اثرات جریان، همگی از عناصر مهم جریان‌اند که از طریق منابع تاریخی قابل شناسایی‌اند. علاوه‌برآنکه تاریخ یکی از منابع اصلی برای شناخت تفصیلی جریان محسوب می‌شود، اساساً اطلاع اجمالی و انس با تاریخ، برای هر نوع جریان‌شناسی لازم است؛ پیداکردن روحیه و مذاق رویکرد تاریخی و دست‌یابی به نگاه یکپارچه به پدیده‌های زمان‌دار و در نتیجه، تقارب و انس با موضوع جریان ثمراتی است که از انس با تاریخ نصیب جریان‌شناس می‌شود.

باید توجه داشت که عنوان «تاریخ» در اینجا، به‌منزلهٔ یکی از منابع محتوایی جریان‌شناسی، منحصر به کتب تاریخی گذشتگان نیست؛ بلکه معنای عامی از آن اراده شده است. تاریخ، به معنای عام خود، هم شامل گذشته‌های دور می‌شود و هم تاریخ معاصر. البته تاریخ هر عصر را پس از وقوع آن و با گذشت زمان بهتر و دقیق‌تر می‌توان نگاشت و مطالعه کرد؛ زیرا با فروکش کردن التهابات سیاسی و فروخوابیدن احساسات و هیجان‌های به غلیان درآمده از یک سو و انتشار وسیع اطلاعات، اسناد، مدارک و منابع مربوط به آن دوره از سوی دیگر، امکان شناخت منطقی‌تر و عمیق‌تر بیش از پیش فراهم می‌آید (ملائی توانی، ۱۳۹۰: ص ۲۷). اما، باتوجه‌به تعریف تاریخ که عبارت است از «مطالعهٔ امور جزئی زمان گذشته»، اتفاقات زمان معاصر نیز گذشته محسوب می‌شوند و مقدار دوری و نزدیکی آن‌ها به زمان حال آن‌ها را از تاریخ بودن خارج نمی‌کند.

علاوه بر آنکه زمان اخذشده، در عنوان تاریخ، عام است، از حیث متن نیز شمولیت دارد و منحصر به کتب تاریخی نیست. متون تاریخی، از کتب تاریخ گرفته، تا روزنامه‌ها، گزارش‌ها، اخبار، اقوال، اسناد، فیلم‌ها و محصولات فرهنگی را شامل می‌شود. به این اعتبار، منابع تاریخی از نظر شکل چنان گسترده و متنوع‌اند که دسته‌بندی کردن‌شان بسیار دشوار است؛ زیرا شامل همه طیف آثار مکتوب و غیر مکتوب، تصاویر، ابنیه، ادوات زندگی و همهٔ انواع منابعی می‌شوند که بتوان از آن‌ها اطلاعات یا داده‌های تاریخی استخراج کرد. برخی محققین، از یک نگاه کلان، آن‌ها را به شش دستهٔ عمده تقسیم می‌کنند: ۱. منابع مکتوب؛ ۲. منابع تصویری و ترسیمی؛ ۳. منابع الکترونیک؛ ۴. ابنیه و آثار ساختمانی؛ ۵. ابزارها و ادوات زندگی؛ ۶. منابع شفاهی و نقلی (ملائی توانی، ۱۳۹۰: صص ۱۱۹-۱۰۷).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

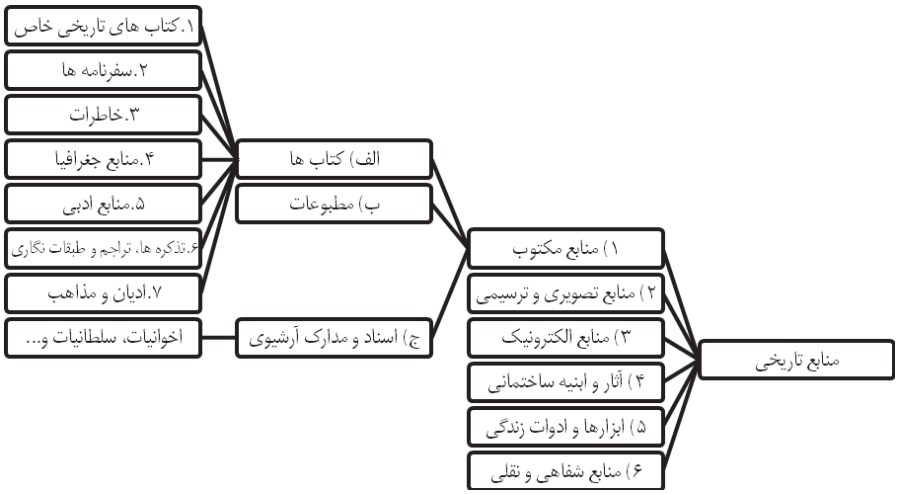

نمودار ۷- دسته‌بندی منابع تاریخی

۲-۲. فلسفه و تاریخ اندیشه و علم

از منابع مهم بستهٔ محتوایی جریان‌شناسی، انباشت تأملات و تفکرات کلان بشری است که در قالب «فلسفه»، «تاریخ علم» و «تاریخ اندیشه» در دسترس ماست. فلسفه تلاش عقلی برای درک نظام کلان هستی است و «فیلسوف کسی است که نظم خارجی جهان را در ظرف فهم خود ادراک کند»، یعنی بکوشد خطوط کلی هستی عینی را کشف و در جان خود ترسیم کند (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ص ۲۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۲۴؛ همو، ۱۳۸۶: ص ۱۲۱). کوشش‌های بشر برای پاسخ دادن به سؤالات کلان خود دربارهٔ خطوط کلی جهان هستی، که ریشه در نیازهای فطری حقیقت‌جویی و حقیقت‌طلبی دارد، در دانشی به نام فلسفه صورت‌بندی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ص ۱۳۴). تاریخ علم و اندیشه نیز سیر حرکت علوم و اندیشه‌های مطرح شده در تاریخ بشری را می‌کاود و می‌کوشد چگونگی بقا و استمرار اندیشه‌ها و همچنین صورت‌ها و زمینه‌های نابودی مفاهیم و نظریه‌هایی که بدون مشارکت در ساخت زندگی اجتماعی و تمدن انسانی نابود شده‌اند را برجسته کند.

اصول و فروض هر جریان، ریشه در مکاتب فکری ـ فلسفی، تاریخ فلسفه و تاریخ اندیشه دارند. اندیشه هرچند در فرد و به‌صورت مجرد شکل می‌گیرد، ولی هویتی اجتماعی دارد. یک فرد به‌تنهایی نمی‌تواند علم و نظام فکری بنا کند؛ بلکه افراد در کنار هم، اجزای پیکرهٔ دانش را فراهم می‌آورند. افکار امروز بر دوش اندیشهٔ پیشینیان استوارند؛ بنابراین، جریان‌شناس برای فهم عمیق

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

اصول و فروض جریان‌ها ـ خصوصاً جریان‌های فکری ـ نیازمند مراجعه به تاریخ فلسفه و اندیشه است. همچنان‌که انس و آشنایی اجمالی با ادوار تاریخ تفکر بشری، به جهت ایجاد ذوق فکری و قرابت با هویت جریان‌های فکری و همچنین ایجاد ظرفیتی که در مرحلهٔ شناخت اجمالی ایجاد می‌کند، برای جریان‌شناس ضروری می‌نماید.

در کنار تاریخ فلسفه و تاریخ اندیشه و ثمراتی که بر آن‌ها در روش جریان‌شناسی مترتب می‌شود، نظرات، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها، درس‌گفتارها، مقالات و کتبی که حاوی نظرات هستی‌شناسانه و فلسفی‌اند و متفکرین جامعه آن‌ها را نگاشته و ارائه کرده‌اند، منبع شناخت نظامات فکری جریانات جامعه هستند.[1]

۲-۳. نظریه‌های جامعه‌شناسی، فرهنگ و سیاست

نظریه‌ها، مجموعه‌ای منسجم از مفاهیم و گزاره‌ها هستند که بخشی از جهان را، به‌طور موجه و کارآمد، تبیین و توصیف می‌کنند و یا دربارهٔ آن توصیه‌ای کارآمد ارائه می‌دهند (توسلی، ۱۳۹۰: صص ۱۲-۳؛ اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ص ۲۰). اندیشه‌های بشر دربارهٔ زندگی اجتماعی، نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، ساختارهای اجتماعی، فرهنگ، قدرت، حکومت و دولت و دیگر امور مرتبط با زندگی اجتماعی انسان، در قالب نظریه‌های جامعه‌شناسی، فرهنگ و سیاست، در طول تاریخ، ارائه شده‌اند. نظریه‌های جامعه‌شناسی، هر یک به‌نوعی، یا به‌صورت خرد به بررسی پدیده‌ای از پدیده‌های اجتماعی پرداخته‌اند و یا به صورت کلان، جامعه را به‌صورت یک کل واحد مطالعه کرده‌اند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۹۱: صص ۴۰-۲۷؛ آرون، ۱۳۸۶: صص ۱۸-۳). نظریه‌های فرهنگی نیز، الگوهایی مفهومی‌اند که برای شناخت ساختار و یا نقش‌ها و کارکردهای فرهنگ ارائه می‌شوند (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: صص ۲۱-۲۰).

جریان‌های اجتماعی، خصوصاً جریان‌های فرهنگی و سیاسی، ازآن‌رو که جریان‌اند و دارای اصول و فروض (نظام مشترک معنایی) هستند و در امتداد نظامات معنایی پیشین شکل می‌گیرند، همگی از نظریه‌های جامعه‌شناختی، فرهنگی و سیاسی ریشه می‌گیرند. درواقع جریان‌های اجتماعی، در دامنهٔ نظریه‌های هم‌عرض خود شکل می‌گیرند و حیات می‌یابند. بنابراین، برای شناخت اصول جریان‌ها نیازمند رجوع به این منابع هستیم.[2]

۱. البته این سنخ از اطلاعات، در تعریف عامی که از «متون تاریخی» ارائه شد، وارد می‌شوند. اما از جهت تأکید بر اهمیت، دوباره ذکر شد.

۲. برای مثال، جریان‌های سیاسی، همگی براساس تعریف خاصی از قدرت و دولت شکل گرفته‌اند و نقطهٔ مطلوب

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

اهمیت این منابع، تنها در شـــناخت اصول و فروض جریان‌ها، خلاصه نمی‌شود. زمینهٔ حیات جریان‌هـــای فرهنگی و سیاســـی، در هر محیط اجتماعـــی، فرهنگ آن محیط اســـت. هر جریان اجتماعی جز با تمرکز بر شـــاخصه یا شـــاخصه‌هایی از فرهنگ یک جامعه و محیط نمی تواند در آن محیط زندگی و رشـــد کند. جریان‌های اجتماعی، مبتنی بر آن محیط فرهنگی، به تأثیرپذیری یا اثرگذاری اجتماعی مشغول می‌شوند. بنابراین، فهم و ادراک فرهنگی از عناصر مهم جریان‌شناسی است که با رجوع به این منابع و نظریه‌ها حاصل می‌شود.

علاوه‌براین، انس با این مباحث و داشتن اطلاع اجمالی از آن‌ها، ثمری همچون دو منبع پیشین دارد. چنان‌که دانستیم، هویت اجتماعی جنس قریب جریان است. بنابراین، شناخت جامعه نوعی تقارب به موضوع را حاصل می‌آورد که لازمهٔ هر تحقیق اســـت. جریان‌شـــناس، با آشنایی اجمالی با اندیشهٔ جامعه‌شناسی، از نگاه بسیط به جامعه رهایی می‌یابد و پیچیدگی جامعه را درک می‌کند.

در کنـــار نظریه‌هـــای جامعه‌شـــناختی، فرهنگـــی و سیاســـی و ثمراتی که بر آن‌هـــا در روش جریان‌شناســـی مترتب می‌شود، نظرات، مصاحبه‌ها، ســـخنرانی‌ها، درس‌گفتارها، مقالات و کتبی که حاوی مطالعات جامعه‌شناسانه، فرهنگی و سیاسی‌اند و متفکرین جامعه، دربارهٔ مسائل جامعهٔ امروز، می‌نگارند و ارائه می‌کنند، منبع شناخت نظام مشترک معنایی جریان‌های جامعه‌اند.[1]

۲-۴. جامعه، مردم و عرف

«عرف» عبارت اســـت از فهم و بینش یا بنا و روش رفتاری یا داوری و ارزش‌گذاری مستمر و ارادی مردم که حالت رسمی و قانونی به‌خود نگرفته و تنها هویتی بین‌الاذهانی نزد افراد دارد (علیدوست، ۱۳۹۴: ص ۶۱). اثرگذاری جریان‌ها بر جامعه و مردمی است که مخاطب آن‌ها قرار گرفته‌اند؛ گاهی عموم مردم مخاطب این اثرات هستند که در این صورت، اثرگذاری بر «هویت بین‌الاذهانی تمامی افراد جامعه» (عرف یا عقل عرفی)[2] وارد می‌شـــود و گاهی جمعیت خاصی از مردم مخاطب‌اند که در این صورت اثر بر آن «عرف خاص» گذاشـــته می‌شـــود. گاهی این اثرات در قالب‌های مکتوب یا مصنوع بازســـازی می‌شوند و در اشیائی تبلور پیدا می‌کنند. در این صورت، تعریف عام از تاریخ

خـــود را تصویر کرده‌اند. با مراجعه به نظریه‌های موجود در این زمینه، می‌توان ریشـــه‌های این مبانی را یافت و از این طریق، امتداد عینی آن‌ها را در قالب جریان‌های سیاســـی ـ اجتماعی جســـت‌وجو کرد و شناخت عمیق آن‌ها دست یافت (وینسنت، ۱۳۹۵: صص ۷۶-۱۵).

۱. البته این ســـنخ از اطلاعات، در تعریف عامی که از «متون تاریخی» ارائه شـــد، وارد می‌شوند. اما از جهت تأکید بر اهمیت، دوباره ذکر شد.

2. Common Sense

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

بر آن صادق خواهد بود و براساس آن منابع تاریخی، می‌توان این اثرات اجتماعی را مطالعه کرد.

اما، گاهی جریان‌های روز جامعه مطالعه می‌شـــوند که هنوز امتداد اثرات فرهنگی ـ اجتماعی آن‌ها در قالب اشـــیاء و منابع تاریخی رســـوب پیدا نکرده اســـت و یا جنبه‌هایـــی از اثرات مطالعه می‌شـــوند که با چند واســـطه نمود پیدا می‌کنند. دراین‌صورت می‌توان مستقیماً به سراغ مردم رفت و جامعـــه و مردم موجود را به‌منزلهٔ یک «متن» مطالعـــه کرد. درواقع، «عرف» خود منبعی اصلی و اساسی برای مطالعهٔ اثرات جریان‌های روز جامعه محسوب می‌شود که با روش‌های مردم‌شناسانه[1] قابل مطالعه است.

۳. بستهٔ روشی

اســـتخراج داده‌ها از بستهٔ محتوایی و همچنین فراوری و ارزیابی آن‌ها خود نیازمند روش‌هایی است که در بستهٔ روشـــی جریان‌شناسی قرار می‌گیرند. این روش‌ها عبارت‌اند از «منطق و تفکر نقدی»، «روش‌های جمـــع‌آوری داده»، «روش تاریخی»، «روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و فهم متن» و «روش مطالعات تطبیقی».

۱. مردم‌نگاری، یکی از روش‌های مطالعات کیفی و روش عمدهٔ رشته‌ی انسان‌شناسی از زمان پیدایش این رشته است کـــه محقق از طریق آن به توصیف ارزش‌ها، رفتارها، عقاید و زبان مشـــترک یک گـــروه فرهنگی می‌پردازد. از دیدگاه مردم‌نگاری، فرهنگ (و به یک معنا، عقل سلیم یا عقل عرفی یا دانش عامه) از یک‌سو مخلوق کنش بامعنا و از سوی دیگر، هدایتگر و حتی تولیدکنندهٔ آن اســـت و انســـان‌ها در تعاملات اجتماعی و در یک بستر فرهنگی، از دانستنی‌ها یا معرفتی فرهنگی برخوردار می‌شـــوند. دانســـتنی‌های فرهنگی، به مثابهٔ مخزن دانش و معرفت انســـان، تعیین‌کنندهٔ دیدگاه وی برای هدایت رفتارها و کنش‌های اجتماعی اســـت. بنابراین، مردم‌نگاری به معنای توصیف انسان‌هاســـت و این هدف را از طریق توصیف فرهنگ آن‌ها محقق می‌کند. ازاین‌رو، فرهنگ و فهم عرفی هســـتهٔ اصلی مردم‌نگاری را شـــکل می‌دهد. در این روش، محقق در زندگی روزمره و روابط اجتماعی جمعیتی که مطالعه می‌کند وارد شـــده، در آن غوطه‌ور می‌شـــود تا بدین وســـیله از طریق مصاحبه، مشاهده و یادداشت (پژوهش میدانی) با اطلاعات دست اول، به فهمی از نظام معنایی فرهنگی و اشتراکی آن‌ها دست پیدا کند (محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۲۲۲-۲۱۱؛ ایمان، ۱۳۹۳: صص ۶۰-۳۵).

البته باید توجه داشـــت که جریان‌شناسی، در اصل دانشـــی مصرف‌کننده است و از محصولات دانش‌ها و مطالعات تولیدی بهره می‌گیرد؛ ازاین‌رو روش‌های مردم‌شناسانه، جزو روش‌های اصلی و اصیل جریان‌شناسی ـ در بستهٔ روشی ـ قرار داده نشده اســـت. اما هنگامی که جریان‌شناس بخواهد جریان‌های روز جامعه را به‌صورت عمیق و تخصصی مطالعه کند، ناگزیر باید برای شناخت، به‌صورت مستقیم به سراغ عرف رفته، از روش‌های مردم‌شناسانه بهره جوید.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

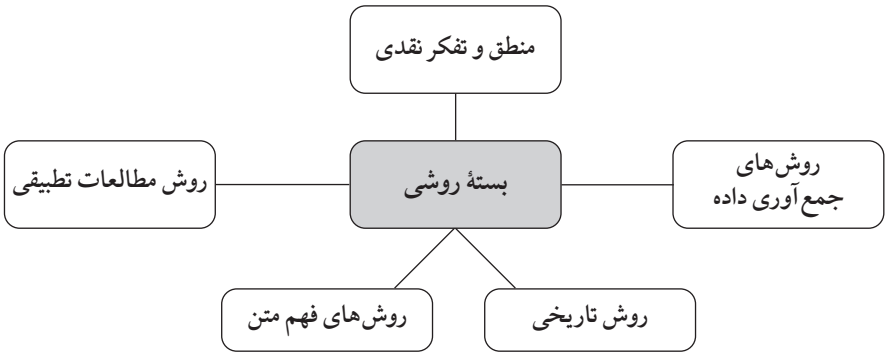

نمودار ۸- معرفی روش‌های بستهٔ روشی

۳-۱. منطق و تفکر نقدی

منطق دانشی است که رسالت خود را ارائهٔ مجموعهٔ قانون‌ها و قواعدی کلی برگزیده است که به‌کارگیری آن‌هـــا ذهن را از خطای در تفکر بازمی‌دارد (نصیرالدین طوســـی، ۱۳۷۵: صص ۱۰-۸؛ قطب‌الدین شیرازی، ۱۳۸۳: ص ۲۸؛ ساوی، ۱۳۸۳: صص ۵۲-۵۳؛ مظفر، ۱۴۳۳: صص ۱۰-۸). این رسالت با بیان ســـیر حرکت تفکر در تصورات و تصدیقات به انجام می‌رسد. آنچه از این علم لازمهٔ هر کار و پژوهش علمی است، بدون شک حیث مهارتی آن است، و نه حیث دانشی آن. اصل فهم، شناخت و مطالعهٔ هر امری، نیازمند دارایی حدی از شخصیت منطقی توسط محقق و اندیشور است.

امروزه، با پیراســـتن زوائد نظـــری مجموعه مباحثی که به فهم عمیق و درســـت نظریه‌ها کمک کند و شـــخصیت منطقی را بیش‌ازپیش در دانش‌پژوه احیا نماید، در دانشـــی به نام «تفکر نقدی» یا «روش نقد اندیشـــه‌ها» جمع‌آوری شده اســـت. تفکر نقدی دانش مهارت نقد و بررسی باورها، اندیشه‌ها و نظریه‌هاست (خواص، ۱۳۹۳: ص ۲۵). به‌عبارت‌دیگر، تفکر نقدی، که مصرف‌کنندهٔ دانش‌های منطق، معرفت‌شناســـی، روش‌شناسی و فلسفهٔ علم است (خواص، ۱۳۹۳: صص ۲۷-۲۵؛ ملکیان، ۱۳۷۳: صص ۷، ۲۱-۲۰)، به شیوه‌های داوری دربارهٔ آراء، اندیشه‌ها و نظریه‌های ما و دیگران می‌پردازد. به‌طورکلی، در نقد یک اندیشـــه چهارمرحله وجود دارد: ۱.روشن کردن معانی واژگان و اصطلاحـــات و ارزیابی حفظ آن معنا در طول نظریه؛ ۲.کشـــف پیش‌فرض‌ها و ارزیابی سازگاری یا ناسازگاری آن‌ها با یکدیگر؛ ۳.تفکیک انگیزه و انگیخته و تفکیک مدعا و دلیل و مطالبهٔ دلیل و ارزیابی ادله و سنجش تناسب دلیل با مدعا؛ ۴.کشف مغالطات (خواص، ۱۳۹۳: صص۴۶-۴۵؛ ملکیان، ۱۳۷۳: صـــص۳۳-۲۲). بنابراین، تفکر نقدی از این چهار بحث عمده گفت‌وگو می‌کند و روش‌های آن را ارائه می‌دهد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

جریان‌شناسی از آن حیث که نوعی فعالیت علمی است، نیازمند داشتن تفکر منطقی است؛ خصوصاً آنکه جریان هویتی شبکه‌ای و نظام‌وار دارد و برای شناخت آن لازم است ارکان مختلف، مرتبط با یکدیگر، فهم شوند و همچون حقایق تک‌بعدی نیست که به‌صورت خطی و با تکیه بر منطق فطری ـ عرفی بتوان آن را شناخت. علاوه‌براین، فهم محتوایی نظام‌های فکری ـ فلسفی و شناخت اصول و فروض جریان‌ها، نیازمند مهارت تفکر نقدی است. بنابراین، تفکر نقدی لازمهٔ درک هویت سیستمی جریان و اصول و فروض آن محسوب می‌شود.

۳-۲. روش‌های جمع‌آوری داده

ورای اینکه هر پژوهش، چه طرح تحقیقی دارد و از چه روش‌هایی برای تحلیل و ارزیابی داده‌ها استفاده می‌کند، «جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها» جزء انکارناپذیر فرایند تحقیق است. بنابراین، در روش‌شناسی جریان‌شناسی، یکی از روش‌هایی که جریان‌شناس به آن نیاز دارد، آشنایی و بهره‌گیری از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات و گردآوری داده‌هاست. خصوصاً جریان‌شناسی، از آن رو که روشی میان‌رشته‌ای می‌طلبد و از روش‌های متکثری در تحلیل داده‌ها استفاده می‌کند، به اطلاعات ذاتاً متفاوتی که منابع مختلفی دارند نیازمند است؛ ازاین‌رو اهمیت روش‌های گردآوری داده‌ها در جریان‌شناسی، دوچندان است.

اسناد و منابع استفاده شده در هر تحقیق، از نظر اهمیت و اعتبار ـ صرف‌نظر از شکل، تنوع و نحوهٔ دست‌یابی به آن‌ها ـ به دو دستهٔ «منابع اصلی یا دست اول» و «منابع فرعی یا دست دوم» تقسیم می‌شوند. منابع دست اول یا اصلی، به آثاری[1] اطلاق می‌شود که یا خودشان عینِ پدیدهٔ مطالعه شده‌اند و یا گزارش‌هایی هستند که در همان زمان وقوع رویداد و یا نزدیک‌ترین زمان نسبت

۱. این منابع بسیار متنوع‌اند که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از قوانین عادی، قوانین اساسی، فرمان‌ها، رأی دادگاه‌ها، صورتجلسات سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و نهادهای سیاسی ـ اجتماعی، گزارش‌های رسمی، خاطرات، نامه‌ها، حسب‌حالها، شجره‌نامه‌ها، قراردادها، قباله‌ها، اجاره‌نامه‌ها، وصیت‌نامه‌های گواهینامه‌ها، اقرارنامه‌ها، استشهادها، اظهارنامه‌ها، آگهی‌ها، گواهی‌ها، فهرست‌ها، اعلامیه‌ها، صورت‌حساب‌ها، رسیدها، روزنامه‌ها، مجلات سیاسی ـ اجتماعی، اسناد سیاسی، اسناد تجاری، نقشه‌ها، نمودارها، کتاب‌های تاریخی که همزمان با رخدادهای تاریخی نوشته می‌شوند، کتب و یادداشت‌های شخصیت‌های تأثیرگذار، کاتالوگ‌ها، فیلم‌ها، عکس‌ها، نقاشی‌ها، کتیبه‌ها، رونوشت‌ها، گزارش‌های تحقیقی، ای‌میل‌ها، اسناد الکترونیکی، مرامنامه‌ها، برنامه‌های سیاسی. در کنار آنها باید از سنگواره‌ها، قبرها، بناهای تاریخی، ابزارها و ادوات زندگی، سلاح‌ها، غذا، ظروف، لباس، اثاثیهٔ خانه، تصاویر، سکه‌ها، اشیاء هنری و همهٔ بقایای گذشته، که می‌توانند دربارهٔ نحوهٔ زندگی، تفکرات، اختراعات، ابداعات، هنرها و عقاید مذهبی گذشتگان اطلاعاتی در اختیار پژوهشگر قرار دهند، نام برد. آنچه گفته شد، تنها نمونه هایی از منابع اصلی است که به دلیل تنوع و گستردگی‌شان نمی توان فهرست دقیق و کاملی از آنها ارائه داد (ملائی توانی، ۱۳۹۰: ص ۱۰۶).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

به وقوع آن، نوشته شده‌اند.[1] منابع دست دوم و فرعی، به آثاری اطلاق می‌شود که مدتی پس از پدیده و ناظر بر آن و با استفاده از منابع دست اول نگاشته و تولید می‌شوند. به‌طورکلی، محقق ـ خصوصاً جریان‌شناس ـ نباید به منابع دست دوم و چندم و تفسیرها و گزارش‌های برداشتی و با واسطه بسنده کند. پژوهشگر ملزم است تا آنجا که می‌تواند، خود مستقیماً به منابع دست اول مراجعه کند و آب را از سرچشمه بنوشد تا تحقیق او از دقت و اتقان بالایی برخوردار شود (ملائی توانی، ۱۳۹۰: صص ۱۰۷-۱۰۵؛ ایمان، ۱۳۹۳: صص ۱۴۹-۱۴۷؛ محمدپور، ۱۳۹۲: صص۳۵۷-۳۵۶).

هر آنچه در جهان اجتماعی اتفاق می‌افتد برساخته‌ای اجتماعی و محصول انسانی تلقی شده و قابل تحلیل و بررسی است و داده و اطلاعات محسوب می‌شود. داده‌ها را به‌طورکلی می‌توان در دو دستهٔ متنی و مشاهده‌ای قرار داد. داده‌های مشاهده‌ای با استفاده از روش‌های مشاهدهٔ آزاد، مستقیم و مشارکتی و داده‌های متنی از طریق روش‌های مصاحبه و تحلیل اسناد و مدارک گردآوری می‌شوند (محمدپور، ۱۳۹۲:ص۱۰۰).

جدول ۱ - انواع داده‌ها و روش‌های دست‌یابی به آن‌ها

نوع داده	دادهٔ خاص	موارد	روش
متنی	مکتوب	تاریخچه‌های زندگی، خاطره‌ها، روزنامه‌ها و مجله‌ها، نامه‌ها، داستان‌ها و روایت‌های منقول، اسناد و مدارک اداری، مقالات و کتب و...	تحلیل اسناد و مدارک و روش‌های کتابخانه‌ای
	شنیداری (تولید شده)	مصاحبه‌ها (رسمی، غیررسمی، متمرکز، خودمصاحبه و ...)، روایت‌های زنده، تاریخ شفاهی	انواع مصاحبه (منظم، نیمه‌منظم، و عمیق)
مشاهده‌ای	متنی شده	یادداشت‌های میدانی پراکنده و استنباطی و مشاهده‌ای	مشاهدهٔ آزاد، مستقیم، مشارکتی و غیرواکنشی
	ناب	تصاویر، فیلم‌ها، کروکی‌ها، نقشه‌ها و...	تحلیل اسناد و مدارک و روش‌های کتابخانه‌ای

۱. البته همهٔ این آثار از نظر درجهٔ اهمیت و اعتبار یکسان نیستند. طبیعتاً هر یک از آنها بنا بر ماهیت متفاوت‌شان جنبه‌ای از پدیده و تحولات تاریخی را بازتاب می‌دهند و محقق ناگزیر است برای تکمیل داده‌ها و تسلط کافی بر جنبه‌های گوناگون یک رخداد یا بررسی دقیق‌تر یک موضوع به انواع متنوع آنها رجوع کند تا نقص‌ها و کاستی‌های آنها را از طریق مقابله، مقایسه و نقد درونی و بیرونی برطرف سازد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

مجموعهٔ روش‌های گردآوری داده‌ها را می‌توان در دو دستهٔ کلی میدانی (مشاهده[1] و مصاحبه[2]) و کتابخانه‌ای (تحلیل اسناد و مدارک و سنجه‌های غیرمزاحم و غیرواکنشی[3]) قرار داد. روش‌های مشاهده، مصاحبه و کتابخانه‌ای، هرکدام بر حسب نوع روش تحقیق، اهداف و سؤال پژوهشی خاص و نوع داده‌هایی که محقق به آن‌ها نیاز دارد، در فرایند تحقیق استفاده می‌شوند (محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۱۲۶).

مراجعه به کتب، اسناد و مکتوبات ابزار اصلی هر پژوهش و نقطهٔ عزیمت گردآوری اطلاعات و داده‌ها ـ خصوصاً داده‌های گزارشی و تاریخ‌مند ـ است. روش کتابخانه‌ای در همهٔ تحقیقات علمی، به‌ویژه تحقیقات جریان‌شناسانه، کاربرد فراوان دارد. عموماً اسناد و کتب و به‌طورکلی، روش کتابخانه‌ای، پاسخ‌گوی عمدهٔ نیازهای جریان‌شناس برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات است. گام اول در این روش، آشنایی با رده‌بندی کتب و استفاده از کتابخانه و محتویات آن و دیگر فنّاوری‌های مرتبط با مطالعهٔ اسناد و مدارک است (ملائی توانی، ۱۳۹۰: صص ۱۲۰-۱۱۹). پژوهشگر بعد از شناسایی منابع، برای یادداشت‌برداری و گردآوری داده‌ها به سراغ آن‌ها می‌رود.

در مواجهه با تمامی انواع منابع، تلاش پژوهش‌گر معطوف به جمع‌آوری داده‌هایی است که هرچه شایسته‌تر باشند. شایستگی اطلاعات، در گرو مرتبط بودن، کافی و کامل بودن، صادق بودن، دقیق بودن، وضوح مفهومی و تمایز مصادقی داشتن، نو و به‌روز بودن، مستند بودن و مستدل بودن است (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۲: صص ۱۲۰-۱۰۷).

۳-۳. روش تاریخی

جریان‌شناسی را، از یک منظر، می‌توان یکپارچه مطالعه‌ای تاریخی دانست؛ زیرا ناظر بر انسان‌ها و اتفاقات عینی زمان‌مند و مکان‌مند است، نه اموری کلی و انتزاعی. مطالعهٔ تاریخی، در جایی اتفاق می‌افتد که یک فکر، انگاره، اندیشه یا مفهوم درحدّ فاصل انتقال از زمان الف به زمان ب

۱. برای اطلاع از انواع مشاهده (نظیر مشاهدهٔ مشارکتی) و تکنیک‌های بهره‌گیری از آن ر.ک: محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۱۳۹-۱۲۷، ۲۰۷.

۲. برای اطلاع از انواع مصاحبه و پرسش‌های مصاحبه‌ای و نظریه‌ها و تکنیک‌های این شیوهٔ گردآوری داده ر.ک: محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۱۸۰-۱۴۱.

۳. روش‌های غیرمزاحم یا غیرواکنشی، شامل هرگونه مطالعهٔ رفتار انسانی است که بر گفت‌وگو مستقیم با افراد (مانند مصاحبه) یا مشاهدهٔ آن‌ها (مانند مشاهدهٔ مشارکتی) مبتنی نباشد. این روش می‌تواند دربرگیرندهٔ آثار فیزیکی و به‌جامانده از انسان‌ها، مانند آثار باستانی ، اسناد و مدارک مکتوب یا اینترنت باشد. ازاین‌رو برخی روش‌های غیرواکنشی را برای اشاره به داده‌های ثانویه به‌کار می‌برند (محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۲۰۲-۲۰۱).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

دچار تفاوت موقعیتی شده باشد (پاکتچی، ۱۳۹۱: ص ۷۶). باتوجه‌به هویت پویا و در حال حرکت جریان، از لوازم ذاتی تعریف جریان ضرورت مطالعهٔ تاریخی است.

تاریخ و متون تاریخی به معنای عام، در بستهٔ محتوایی منبع اصلی استخراج پاسخ‌های شبکهٔ مسائل جریان‌شناسی معرفی شد. از مجموعه قواعد استخراج و بهره‌گیری منضبط و علمی از این منبع، تحت عنوان «روش تاریخی» یاد می‌شود. جریان‌شناسی در شناخت تمامی ابعاد و عناصر تشکیل‌دهندهٔ جریان نیازمند منابع تاریخی است، در تمامی این موارد ضرورتاً نیازمند روش پژوهش در تاریخ نیز هست. در روش تاریخی، تفاوتی نمی‌کند که مسئلهٔ مطالعه شده، رویدادی تاریخی است یا کلام منقولی که از بیان و تفکر اندیشمند یا سخنگویی حکایت می‌کند، در هر دو حالت، قواعد استخراج و داوری دربارهٔ گزاره از قواعد یکسانی تبعیت می‌کنند؛ چراکه سنخ هردو آن‌ها گزارشی است و ارزیابی‌های تاریخی را می‌طلبند.

مطالعهٔ تاریخی، به‌طورکلی، از دو مرحلهٔ عمده تشکیل می‌شود: قدم اول گردآوری داده‌های تاریخی و ارزیابی و پالایش آن‌هاست. مورخ، با استقرا در تمام مظان روایت، می‌کوشد اطلاعات و سندهای مرتبط با مسئله را به‌طور نسبتاً کامل گردآوری کند (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ص ۱۴۲؛ ایمان، ۱۳۹۳: ص ۱۴۹-۱۴۷؛ محمدپور، ۱۳۹۲: ص۳۵۷ -۳۵۶). اما اصلی‌ترین مرحله، داوری و پالایش داده‌های جمع‌آوری شده است. در این مرحله، چشم پژوهشگر بر واقعیات تازه‌ای از میان داده‌های تاریخی، نظیر داده‌های متناقض، داده‌های شاذ و نادر، داده‌های مشکوک، داده‌های مبهم و ...، گشوده می‌شود. در این مرحله، داده‌ها به‌صورت علمی تصفیه می‌شوند و صدق و کذب آن‌ها تشخیص داده شده، اخبار و اطلاعات سست از واقعی تفکیک و شناسایی می‌شوند (ملائی توانی، ۱۳۹۰: صص ۱۳۳-۱۳۱).

روش تاریخی، با تقسیم‌بندی انواع داده‌ها (نظیر تقسیم به خبر واحد و مستفیض و متواتر و...) راه را برای ارزیابی داده‌ها و سنجش قدرت آن‌ها می‌گشاید و روش‌های حل تعارضات میان آن‌ها را بیان می‌کند. در اخبار مندرج در اسناد مکتوب، دو مسئلهٔ عمده باید بررسی شوند: ۱.صحت سند و انتساب؛ ۲.صحت متن خبر (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ص ۱۵۰؛ ایمان، ۱۳۹۳: ص ۱۴۹). به‌عبارتی، با ارزیابی سندی و متنی داده‌های تاریخی، هم خود آن‌ها پالایش می‌شوند و درجهٔ اعتبارشان مشخص می‌شود[1] و هم در هنگام تعارض آن‌ها با داده‌های دیگر، ملاک ترجیح‌شان

۱. نتیجهٔ این فعالیت تولید اطلاعات تاریخی است. به عبارت دقیق‌تر، بین دادهٔ تاریخی با اطلاعات تاریخی، تفاوت است. نقد و ارزیابی اسناد تاریخی، داده‌های تاریخی را به «اطلاعات تاریخی» تبدیل می‌کند (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۲: ص ۲۷۵).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

معین می‌گردد.[1] درصورت یکسان بودن ارزش و اعتبار دو یا چند مدرک یا خبر، قواعد تعادل و تراجیح اجرا می‌شود (ملائی توانی، ۱۳۹۰: صص ۱۳۵-۱۳۴).

به‌طورخلاصه، مرجحات روایت تاریخی از حیث سند و راوی، عبارت‌اند از عدالت و اعدلیت (با مطالعهٔ فضایل و تاریخ آن)[2]، اصدقیت، اضبط (دقت و حافظهٔ او در نقل عین حدیث)، علو اسناد (قلت الوسائط)[3]، اِسناد در مقابل اِرسال مقبول[4]، تعدد و کثرت راوی نسبت به شذوذ و قلت، اعلی بودن طریق تحمل و انتقال روایت از یک راوی به راوی دیگر[5]، و کثرت روات (نقل بیشتر)[6]. همچنین، مرجحات متنی و محتوایی روایت تاریخی، عبارت‌اند از بافت زبانی (فصاحت و افصحیت)، نقل به لفظ در برابر نقل به معنا، عدم اضطراب متن[7]، موافقت با اصول مسلم، مخالفت با جریان فکری رقیب، و عمل (فهم عرفی موافق با روایت) (ابن شهید ثانی، بی‌تا: صص ۲۵۶-۲۵۰؛ انصاری، ۱۴۲۸ه.ق.: صص ۸۱-۷۹؛ نائینی، ۱۳۷۶: ص ۷۲۶؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ه.ق.:صص ۴۶۰-۴۴۳؛ صدر، ۱۴۱۷ه.ق.: صص ۱۵۸-۱۵۵؛ امام خمینی، ۱۴۱۰ه.ق.:

۱. بخش قابل توجهی از دانش اصول فقه در سنت اسلامی، در مقام بیان چنین قواعدی است که امروزه در روش‌شناسی تاریخی بحث و بررسی می‌شوند. در عمده کتب اصول فقه، مباحثی که مربوط به تقسیم انواع روایت، از جمله تقسیم روایت به واحد و متواتر و همچنین مباحث تعارض، تعادل و تراجیح است، به این مسئله اختصاص دارند. بنابراین، روش‌های اصول فقهی کاربرد قابل‌توجهی در جریان‌شناسی دارند: نیمی از مباحث آن که در حوزهٔ تفسیر متن است و تحت عنوان مباحث الفاظ قرار گرفته‌اند، جزو «روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و فهم متن» قرار می‌گیرند و مباحث تعارض و تقسیمات اخبار جزو «روش‌های تاریخی».

۲. ترجیح راوی عادل در یک روایت بر راوی موثق و فاسدُ المذهب در روایت دیگر یا ترجیح راوی عادل‌تر در یک روایت بر راوی روایت دیگر. عادل‌تر بودن او می‌تواند به صراحت در شرح حالش ذکر شده باشد یا اینکه فضائلی برای او ذکر کرده باشند که او را نسبت به راوی دیگر عادل‌تر معرفی می‌کند.

۳. مراد از علو، کم بودن واسطه‌هاست؛ یعنی هر اندازه که تعداد واسطه‌ها میان راوی و مروی‌عنه کمتر باشد، آن خبر از نظر سند ارزنده‌تر است و بر خبر دیگر مقدم می‌شود، زیرا در خبری که علو سند دارد احتمال خطا کمتر است.

۴. ترجیح روایت مرسل راوی‌ای که مرسلات او پذیرفته است بر روایت مسند. دراین‌صورت روایت مسند در مقام تعارض ترجیح دارد.

۵. مثلاً قرائت نسبت به استنساخ. ترجیح روایتی که طریق تحمل آن برتر از طریق تحمل راوی دیگر است، مانند برتری طریق سماع بر طریق اجازه.

۶. هرگاه شمار راویان یکی از دو خبر متعارض بیشتر از دیگری باشد، رجحان از آنِ همان خبر است، زیرا ظن حاصل از خبری که راویانش بسیار است، قوی‌تر است از ظن حاصل از خبری که راویانش کم‌اند. ترجیح روایت دارای راویان متعدد بر روایتی که تنها یک راوی آن را نقل کرده است یا ترجیح روایتی که راویان آن بیشتر از روایت دیگر باشند.

۷. اضطراب در بیان متن یک روایت سبب اطمینان به صادر نشدن آن روایت می‌شود. البته در پاره‌ای موارد، اضطراب و اختلال، سبب بی‌اعتباری متن نمی‌شود، بلکه گاه تنها یک عدم تناسب شمرده می‌شود. منظور از اضطراب متن در اینجا اضطراب یک روایت در مقایسه با روایت دیگر است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

صص ۸۶-۸۵؛ مکارم شـــیرازی، ۱۴۲۸ه.ق.:صص ۵۹۰-۵۴۴؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۴ه.ق.: صص ۵۲۰-۴۹۸).

بنابرایـــن، روش تاریخـــی مجموعـــه قواعد عامی را بیـــان می‌کند که بر اســـاس آن می‌توان به ســـراغ منابع تاریخی (به معنای عام خود که در بســـتهٔ محتوایی بیان شـــد) رفت و محتوایی که در جریان‌شناسی نیاز است را از آن استخراج، پالایش و ارزیابی کرد.

۳-۴. روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و فهم متن

تحقیق و تولید علم، بعد از دستیابی به اطلاعات شایسته، در گرو پردازش و تحلیل روشمند است. اطلاعات مفید بدون انجام یک تحلیل دقیق، فعالیت پژوهشـــی را بی‌ارزش و سطحی می‌کند. در بســـیاری از موارد، محقق در جمع‌آوری اطلاعات تلاش قابل تقدیری به‌انجام می‌رساند و داده‌های جمع آوری شـــده از کیفیت و اعتبار خوبی برخوردارند، ولی مرحلهٔ فراوری و پردازش آن‌ها سریع و سطحی انجام می‌شـــود و از این رو محصول پژوهش از اعتبار قابل توجه علمی بی بهره می‌ماند (منادی، ۱۳۸۵).

از آنجا که جوهرهٔ جریان را نظام مشترک معنایی جریان تشکیل می‌دهد و این عنصر از اهمیت بالایی در شناخت جریان برخوردار است، آشنایی و دستیابی به مهارت استفاده از روش‌های تحلیل داده‌ها و فهم متن در جریان‌شناســـی اهمیت زیادی دارد. بنابراین، بعد از جمع‌آوری داده‌های خام دربارهٔ اصول و فروض جریان (نظام مشترک معنایی) باید با روش یا روش‌هایی، آن‌ها را پردازش کرد تا به فهم جامع و منضبطی از آن دست یافت. روش‌های تحلیل[1] داده‌های کیفی و فهم متن، از تنوع زیـــادی برخوردارند (محمدپور، ۱۳۹۲ب: صص ۶۱-۶۰)؛ اما مهم‌ترین و کاربردی‌ترین آن‌ها که در فهم نظام مشترک معنایی جریان مفیدند، به این شرح‌اند: ۱.روش‌های تفسیر متن (اصول فقهی) کـــه عموماً رویکردی خرد و گزاره‌ای دارند؛ ۲.روش تحلیل گفتمان که رابطهٔ نظام فکری را با قدرت

۱. باید توجه داشـــت که روش «تحلیل محتوا» خود یکی از «روش‌های تحلیل متن» اســـت. بنابراین، هرچند گاهی تعبیر تحلیل محتوا را به‌صورت عام برای روش‌های تحلیل داده‌های کیفی استعمال می‌کنند؛ اما این دو را نباید یکسان فـــرض کرد. تحلیل محتوا یکی از قدیمی‌تریـــن روش‌های تحلیل متن در میان روش‌هـــای تجربی تحقیق اجتماعی اســـت. این روش «شمارش» عناصر متن را برای فهم محتوا بسیار اساســـی می‌داند. در واقع تحلیل محتوا به روشی گفته می‌شـــود که به‌طور مســـتقیم و روشـــن بر ابعاد کمی‌پذیر محتوای متن متمرکز است. هرچند در دهه‌های اخیر، پیدایش روش‌های دیگر تحلیل محتوای کیفی، تفکیک روش را از دیگر روش‌های تحلیل متن ـ به‌خصوص روش‌های مردم‌نگارانه یا نظریهٔ زمینه‌ای ـ دشوار کرده است (محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۱۰۱-۱۰۰؛ منادی، ۱۳۸۵: صص ۲۲-۲۰؛ رضوانی، ۱۳۸۹: صص ۱۳۹-۱۳۷؛ موسوی، ۱۳۸۴: صص ۸۴-۷۹؛ حاجیلو، ۱۳۸۳: صص۵۸ -۵۷).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

می‌سنجد و در این چارچوب فهم می‌کند؛ ۳.روش و نظریهٔ زمینه‌ای[1] که رویکردی نظام‌مند به متون دارد و می‌کوشد از جزئیات پیکره‌ای دستگاه‌واره استخراج کند.

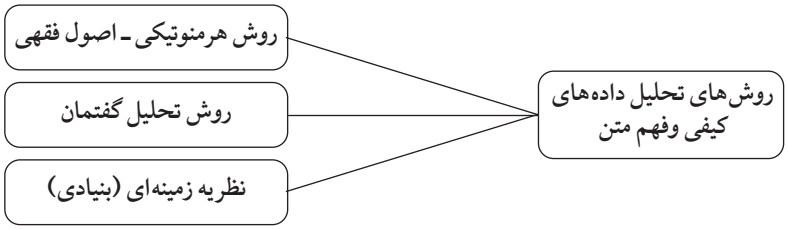

نمودار ۹- انواع روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و فهم متن در جریان‌شناسی

فهم و تفسیر متن ـ خصوصاً در مرحلهٔ اول مواجهه با متن که دارای نگاه خرد[2] است ـ به قواعد و روش‌های عام تفسیر نیازمند است. «هرمنوتیک روش‌شناختی» در سنت غربی، دانش،هنر و روشی است که مباحث مربوط به روش تفسیر متن را بررسی می‌کند. در این اصطلاح، هرمنوتیک روش و هنر فهمیدن یا تفسیر و دستیابی به فهم کامل و غیرمبهم هر نوع متن گفتاری و نوشتاری دانسته می‌شود (واعظی، ۱۳۸۹: صص ۲۸-۲۷؛ الهی‌راد، ۱۳۹۵: صص ۱۰-۹؛ خسروپناه، ۱۳۹۲: ص ۱۰۷؛ همو، ۱۳۹۴: صص ۱۶۲-۱۶۱). این دانش از مجموعه قواعد روش‌شناسانه‌ای یاد می‌کند که لازم است، برای رفع خطر ابتلا به سوءفهم و جلوگیری از بدفهمی، مفسر به آن‌ها توجه کند. دغدغهٔ اصلی هرمنوتیک روش‌شناختی «کشف مراد متکلم یا مؤلف» است. بنابراین، به این سؤالات می‌پردازد که با چه اصول و روش‌هایی باید متن را فهمید و قواعد استخراجی، استفهامی و تطبیقی آن کدام است؟ (واعظی، ۱۳۸۹: صص ۲۸-۲۷؛ اعرافی، ۱۳۹۵: صص ۲۳-۲۲ و ۳۸؛ خسروپناه، ۱۳۹۴: ص ۱۶۴؛ همو، ۱۳۹۲: صص ۱۰۸ و ۱۲۶-۱۲۵؛ شریفی، ۱۳۹۵: ص ۴۱۳؛ الهی‌راد، ۱۳۹۵: صص ۱۱-۱۰ و ۳۰)

در سنت اسلامی نیز، بخش معظمی از دانش سترگ و پرقدمت اصول فقه در مقام تحلیل و معرفی قواعد و اصول نظام‌مند روش تفسیر متن و دست‌یابی به برداشتی صحیح و متناسب با متون دینی است. مباحث بخش الفاظ دانش اصول فقه، که حدود نیمی از مباحث این دانش را به‌خود اختصاص داده است و به مباحث روش‌های ظهورگیری از الفاظ و اصول لفظیه، قواعد عام و خاص

1. Grounded Theory

۲. خرد در اینجا در مقابل نگاهی است که به دنبال کشف منظومه و نظریه از متن است. درواقع خرد به معنای فهم حداقلی است به‌گونه‌ای که فهم از متن دارای تناقض با متن نباشد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

و تخصیص، قواعد مطلق و مقید، مجمل و مبین و مباحث مفهوم‌گیری می‌پردازد، همگی با رسالت تنقیح و تبیین قواعد و روش‌هایی که برای فهم و کشـف مراد متکلم نیاز اسـت در دانش اصول فقه بحث و بررسی می‌شوند. ازاین‌رو، بسـیاری از مباحث هرمنوتیکی روش‌شناختی از حیث روشی بـا مباحث الفاظ اصول فقه قابل انطباق اسـت (واعظی، ۱۳۸۹: صـص ۵۳-۵۲؛ همو، ۱۳۹۰: صـص ۵۰-۴۹؛ اعرافی، ۱۳۹۵: صص ۲۶۵ و ۲۷۶-۲۷۰؛ طاهری، ۱۳۷۹: صص ۱۰۴-۹۴؛ الهی‌راد، ۱۳۹۵: صص ۲۳۵-۲۶۵).

«گفتمـان» از جمله مفاهیم بسـیار قریب به جریان اسـت. اصطلاح گفتمان بیشـتر مدیون نظریه‌پردازی‌های میشل فوکوست. گفتمان از دیدگاه فوکو، یک شیوهٔ توصیف، تعریف، طبقه‌بندی و اندیشیدن دربارهٔ انسان‌ها، چیزها و حتی دانش و نظام‌های انتزاعی اندیشه است[1] (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: صص ۲۲۰-۲۱۹). البته زمانی به مجموعـهٔ ایده‌ها، مفاهیم و باورهای مرتبط با یکدیگر گفتمان گفته می‌شـود که به‌منزلهٔ جهان‌بینی مقبول در یک جامعه یا جمع رسمیت یابد و چارچوبی قدرتمند را برای فهم و عمل اجتماعی شـکل دهد. درواقع گفتمان، زمانی گفتمان می‌شـود که به اشتراک برسد. قدرت، چگونگی شکل‌گیری، مشروعیت‌یابی و تداوم آن و نیز اراده‌های معطوف به قدرت، محور توجه گفتمان است (سلطانی، ۱۳۸۳: ص ۱۵۵؛ ایمان، ۱۳۹۳: صص ۱۹۲-۱۹۱)؛ بنابراین، در این اصطلاح، گفتمان و قدرت پیوندی تنگاتنگ دارند.[2]

تحلیـل گفتمان، به چگونگی سـاخت معرفت و حقیقت در گفتمـان و تأثیر روابط قدرت در گفتمان‌ها می‌پردازد (محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۱۵۹). وظیفهٔ تحلیل گفتمان این است که ساختارهای گفتمان‌ها و پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسـی آن‌ها را ترسیم کند، نه اینکه بخواهد ارزش حقیقی این

۱. باید توجه داشت که واژهٔ گفتمان و تحلیل گفتمان، از استقرار و اجماع معنایی برخوردار نیست، بااین‌حال می‌توان به چارچوب‌های کلی آن ـ چنانچه آمد ـ اشاره کرد (فاضلی، ۱۳۸۳).

۲. از دیـدگاه فوکو، گفتمان‌ها هرگز از روابط قدرت خالی نیسـتند. درواقع، برخلاف نگرش سـنت انسـان‌گرایانه، گفتمان‌ها را نمی‌توان فقط فرآوردهٔ ذهن خلاق و خودمختار بشـری درنظر گرفـت؛ بلکه باید گفت که گفتمان‌ها از روابط قدرت میان گروه‌هایی از آدم‌ها برمی‌خیزند؛ آدم‌هایی که خودشـان این روابط را می‌سـازند و تنظیم می‌کنند. بنابرایـن، قدرت و دانش متضمن یکدیگرند. هیچگونه رابطهٔ قدرتی وجود ندارد که فاقد سـاختار متناظر حوزه‌ای از دانش باشـد. گفتمان‌ها، مجسم‌کنندهٔ معنا، ارتباط اجتماعی، شـکل‌دهندهٔ ذهنیت و تعاملات سیاسی یا قدرت‌اند. قدرت، که ابزار بنیادین ساخت در هر جامعه‌ای به‌شمار می‌رود، وجهی دوگانه دارد؛ یا بر زور استوار است یا بنیادی گفتمانی دارد. گفتمان آن وجه مشـروع قدرت اسـت که تداوم حیات آن را تضمین می‌کند. بنابراین، گفتمان اغلب سـاختار دانش و قدرت را بازنمایی می‌کند. در نظر فوکو، گفتمان‌ها دربـارهٔ موضوعات صحبت نمی‌کنند و هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند، بلکه خودشـان سـازندهٔ موضوعات‌اند و البته در فرایند این سـازندگی، مداخلهٔ خود را پنهان می‌کنند (اسـمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ص ۲۲۰؛ ایمان، ۱۳۹۳: ص ۱۹۳-۱۹۲؛ خسـروپناه، ۱۳۹۴: صص ۲۳۰-۱۲۸).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

گفتمان‌ها را با جســت‌وجوی تطابق آن‌ها با یک واقعیت عینی ارزیابی کند. درواقع به جای تلاش برای ارزیابی صحت یک جهان‌بینی یا استدلال معین، وظیفهٔ تحلیلگر، ترسیم خطوط یک گفتمان و بررسی دلالت‌های آن برای روابط قدرت است. تحلیل گفتمان به بررسی متن و زمینه می‌پردازد و در تلاش است تا دریابد هر جمله از متن چه تصویری از واقعیت را تداعی می‌کند (ایمان، ۱۳۹۳: ص ۱۹۸؛ اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ص ۲۲۲).

روش تحلیل گفتمان به‌مثابهٔ الگوی تحلیل داده‌های کیفی، به کلمه‌ها، جمله‌ها و مشخصه‌های زبانی یا به‌عبارت‌دیگر، بر شــیوهٔ کاربرد زبان به‌صورت انتقــادی تمرکز می‌کند. اینکه زبان چطور به‌کار می‌رود، برای چه به‌کار می‌رود، بســترهای کاربرد آن چه هســتند و... پرسش‌هایی است که چارچــوب روش تحلیل گفتمان را شــکل می‌دهد (محمدپــور، ۱۳۹۲: ص ۱۴۲). روش تحلیل گفتمان به دنبال انکشاف معنای مســتتر در متون گفتاری و نوشتاری است. به‌عبارتی‌دیگر، در این روش، معنا صرفاً در متن و جملات و واژگان خلاصه نمی‌شــود و پژوهشــگر بیش از هر چیز باید به محتوا و معنایی که در میان ســطور نهفته است، عنایت داشته باشــد. در هر متن، تولیدکنندهٔ آن محتوا یا پیامی را با استفاده از دال‌ها و علائمی خاص تولید می‌کند و آن را از طریق خط ارت‌باطی به مخاطب می‌رســاند. مخاطب نیز درعین‌حال به علائم دال‌ها و نشــانه‌ها توجه می‌کند و پیام یا معنای در نظر گرفته شــده را درک می‌کند (عقیلی، ۱۳۸۹: ص ۱۷۷). براساس این روش، می‌توان پدیده‌های اجتماعی را براساس منظومه‌ای فکری بیان کرد که دارای دال مرکزی و دال‌های پیرامونی اســت. دال مرکزی رکن اصلی است و نباید آســیب ببیند و دال‌های پیرامونی به وسیلهٔ دال مرکزی معنا و تفسیر می‌شوند.[1] آنچه باعث تمایز نظریه‌ها می‌شود، دال مرکزی است و دال مرکزی هر فرد، مشخص‌کنندهٔ گفتمان فردی اوست (خسروپناه، ۱۳۹۳: صص ۶۰۷-۶۰۶).[2]

روش تحلیــل گفتمان می‌تواند، در جریان‌هایی که قدرت سیاســی ـ اجتماعی دارند، از حیث روش‌شــناختی دو کاربرد پراهمیت داشــته باشد: اولاً، براســاس پارامتر قدرت، تا حدّ قابل‌قبولی، اصــول و فروض ـ اِعمالی و نه فقط اعلامی ـ آن‌هــا را معرفی کند. ثانیاً، رابطهٔ این نظام فکری را با متغیر قدرت شرح دهد.

۱. نقش گزاره‌های پایه و دال مرکزی به‌گونه‌ای اســت که حذف آن باعث تخریب علم می‌شود؛ همانند بازی شطرنج که نقش کلیدی را شــاه و وزیر برعهده دارند و این دو نباید آســیب ببینند و سربازان همانند دال پیرامونی محافظ شاه و وزیرند.

۲. برای آشنایی با اصول نظری تحلیل گفتمان و فعالیت اساسی در این روش ر.ک: محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۱۴۵-۱۴۳؛ عقیلی، ۱۳۸۹.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

«نظریهٔ زمینه‌ای (بنیادی)» یا «نظریهٔ پدیدار شـــده از واقعیت» از روش‌های کیفی پراهمیت در میان انواع روش‌شناســـی کیفی است. نظریهٔ زمینه‌ای، نظریهٔ کلانی دربارهٔ روش تولید نظریه است. محقق می‌تواند براساس آن، به تولید یک تبیین عام (یک نظریه) از یک متن، فرایند، کنش یا تعامل اقدام کند. در این روش، محقق به‌طور مداوم میان تفکر استقرایی (ایجاد مفاهیم، مقولات و روابط میان آن‌ها) و تفکر قیاســـی (آزمون مفاهیم، مقولات و روابط میان آن‌ها) در رفت و برگشـــت قرار می‌گیرد. بنابراین، نظریهٔ زمینه‌ای کشـــف و اســـتخراج نظریه از داده‌هایی است که به‌طور منظم در فرایند تحقیق اجتماعی به‌دســـت آمده‌اند (ایمان، ۱۳۹۳: صص ۷۰-۶۹؛ محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۳۱۴). محصول نهایی تحقیق با نظریهٔ زمینه‌ای، یک صورت‌بندی نظری منســـجم دربارهٔ بسترها، فرایندها و پیامدهای وجود یک پدیده، رویداد یا متن است (محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۳۱۶).

نقطهٔ قوت نظریهٔ زمینه‌ای آن اســـت که رویه‌های روشـــنی برای تحلیل داده‌های کیفی و تولید نظریـــه در تحقیق فراهم می‌ســـازد به‌گونه‌ای که ضمن انعطاف‌پذیری، نظام‌مند و هماهنگ اســـت (محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۳۴۵). اهمیت این روش، از یک ســـو به قابلیت آن در نظریه‌ســـازی و از سوی دیگر به ایجاد ظرفی برای تحلیل داده‌های کیفی مربوط است. درواقع این روش، در عین آنکه داده‌های کیفی را تحلیل می‌کند، این تحلیل را به ســـوی ارائه و کشف یک نظریه هدایت می‌نماید. نظریه در این روش، از خارج بر تحقیق تحمیل نمی‌شود، بلکه خود در این روش متکی بر داده‌های اخذ شـــده، تولید می‌شـــود. به همین اعتبار، نظریهٔ زمینه‌ای را نظریهٔ داده‌مبنا یا نظریهٔ پدیدارشده از تجربه نیز می‌نامند (ایمان، ۱۳۹۳: ص ۷۰).

ســـاخت نظریهٔ مبتنی بر داده‌ها به‌معنای آن اســـت که اکثر فرضیه‌ها و مفاهیم نه‌تنها از داده‌ها اســـتخراج می‌شـــوند، بلکه در جریان تحقیق هم به‌طور نظام‌مند در ارتباط با داده‌ها قرار می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۳۱۴-۳۱۳). در فرایند ســـاخت این نظریه، داده‌های گردآوری شده در ســـه مرحله کدبندی شده و به هم متصل می‌شوند که عبارت‌اند از کدبندی باز، کدبندی محوری و کدبندی گزینشـــی یا انتخابی. نتیجهٔ این فرایند ســـه‌مرحله‌ای، دست‌یابی به اشباع مفهومی و تولید نظریه است(محمدپور، ۱۳۹۲ب: ص ۷۷).[۱]

زمانی که نظام معنایی مشـــترک جریان دارای نظام یا نظامات فکری باشـــد، با استفاده از روش نظریهٔ زمینه‌ای، می‌توان از متون اصلی جریان به کشف و تولید آن اصول و فروض به‌صورت نظریهٔ منسجم دست یافت.

---

۱. برای آشـــنایی با فرایند تحقیق در نظریهٔ زمینه‌ای ر.ک: ایمان، ۱۳۹۳: صص ۹۴-۸۹؛ ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷: صص ۳۹-۴۷.

بنابراین سه روش هرمنوتیکی و اصول فقهی، تحلیل گفتمان و نظریهٔ زمینه‌ای، هر کدام متناسب با هدف خود، می‌توانند برای مطالعهٔ نظام مشترک معنایی جریان، در جریان‌شناسی استفاده شوند.

۳-۵. روش مطالعات تطبیقی

مطالعهٔ تطبیقی عبارت است از شناخت حداقل یک شیء (پدیدار یا دیدگاه) در پرتو مقایسه با شیء دیگر و بیان مواضع خلاف و وفاق آن‌ها (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۲: ص ۲۹۴). این روش، یکی از راه‌های نزدیک شدن به موضوع مطالعه و شیوه‌ای برای مرئی‌سازی جنبه‌هایی است که به‌صورت مستقل به‌چشم نمی‌آیند. زیربنای این روش، قاعدهٔ فلسفی معروف «الأشیاء قد تعرف باضدادها و مقابلاتها؛ اشیا گاهی به وسیلهٔ ضدها و مقابل‌های‌شان شناخته می‌شوند» است (ملاصدرا، ۱۳۸۷: ص ۲۵۲؛ سبزواری، ۱۳۷۹: ص ۴۱۴).

در این شیوه، شیء مطالعه شده با نمونه‌های مشابه آن مقایسه می‌شود تا از این طریق، جنبه‌های مختلف هر دو روشن گردد. بنابراین مطالعات تطبیقی، هرچند بیشتر یک جهت‌گیری در تحقیق است تا یک روش‌شناسی متمایز، اما نقش مهمی در همه‌جانبه‌نگری در شناخت دارد (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۲: ص ۲۹۵؛ پاکتچی، ۱۳۹۱: صص ۳۳ و ۳۵؛ ایمان، ۱۳۹۳: ص ۱۵۳؛ محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۳۶۰).

تأکید اصلی تحقیقات تطبیقی بر تشابهات و تفاوت‌های میان واحدهاست (ایمان، ۱۳۹۳: ص ۱۵۳؛ محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۳۶۰). بنابراین، از پایه‌های اساسی این روش، انتخاب ملاک‌های مشخص برای سنجش است. درواقع در مطالعهٔ تطبیقی، پرسش یا متغیری یکسان به دو شیء عرضه می‌شود و نسبت هر کدام از آن دو با متغیر مطالعه شده سنجیده می‌شود. این متغیر می‌تواند از یکی از دو شیء اخذ گردد یا به‌صورت بیرونی انتخاب شود. همچنین مسئلهٔ همسانی و درنتیجه ملاک تطبیق، در مطالعات تطبیقی، اهمیت بالایی دارد. همسانی زیربنای استفادهٔ محقق از مفاهیم یا مقیاس‌های واحد برای مطالعهٔ دو شیء متفاوت است.[1]

مطالعهٔ تطبیقی در جریان‌شناسی کاربرد قابل اعتنا و فراوانی دارد. باتوجه‌به اصل هم‌معنایی کنش‌های اجتماعی، شناخت عمیق و تفصیلی بسیاری از جریان‌ها در گرو نسبت آن‌ها با یکدیگر

۱. چهار نوع عمدهٔ همسانی از این قرارند: ۱.همسانی واژگانی (پیدا کردن واژگان هم معنا)؛ ۲.همسانی زمینه‌ای (کاربرد درست اصطلاحات در بسترهای اجتماعی مختلف)، ۳.همسانی مفهومی (توانایی استفاده از یک مفهوم در فرهنگ‌ها یا ادوار تاریخی مختلف)؛ ۴.همسانی سنجشی (اندازه‌گیری یک مفهوم در محیط‌های مختلف) (ایمان، ۱۳۹۳: صص ۱۵۹-۱۵۸؛ محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۳۶۵-۳۶۴).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

اســـت؛ ازاین‌رو هنگامی می‌توان یک جریان فرهنگی یا سیاســـی را به‌طـــور کامل درک کرد و فهم مطابق با واقعیت از اصول و مبانی آن به‌دســـت آورد که اثرگذاری‌ها و اصول و مبانی آن را در تقابل بـــا اثرگذاری‌ها و اصول و مبانی جریان رقیبش معنا کرد. بســـیاری از اوقات، دلیل موضع‌گیری‌ها و راهبردهای اثرگذاری و تبلیغی و بیانیه‌های جریان‌ها، موضع‌گیری جریان رقیب آن‌هاست. بنابراین، نقش مطالعهٔ تطبیقی در فرایند جریان‌شناسی غیرقابل انکار است.[1]

نتیجه‌گیری

ازآنجاکـــه الگوی مطلـــوب مطالعهٔ جریان‌هـــای اجتماعی (جریان‌شناســـی)، روشـــی تلفیقی و میان‌رشـــته‌ای است، از منابع، علوم و روش‌های مختلفی بهره می‌گیرد. این علوم، منابع و روش‌ها، هر کدام جایگاه مشـــخصی در فرایند مطالعهٔ میان‌رشته‌ای جریان‌شناسی برعهده دارند. مطابق این پژوهش، روش‌ها، علوم و منابع معرفتی لازم در جریان‌شناســـی را به‌طورکلی می‌توان در ســـه بسته تقسیم‌بندی کرد: «بستهٔ الگویی»، «بستهٔ محتوایی» و «بستهٔ روشی».

ایـــن منابع معرفتی، روش‌ها و علوم، و جایگاه اهمیت و نوع تأثیر آن‌ها در روش میان‌رشـــته‌ای جریان‌شناسی را می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد:

جدول ۲ - خلاصه بسته‌های معرفتی دخیل در جریان‌شناسی و جایگاه آن‌ها

بسته	دانش / روش	جایگاه و اهمیت و نوع تأثیر در روش جریان‌شناسی
بستهٔ الگویی	جامعه‌شناسی معرفت	• ارتباطـــات میـــان نظـــام مشـــترک معنایی جریـــان و عوامل اجتماعی، محیطی و فرهنگی شکل‌دهنده و مؤثر بر آن
	روان‌شناسی معرفت	• ارتباط میـــان نظام مشـــترک معنایـــی جریـــان و متغیرهای روان‌شناختی
	مدیریت و رفتار سازمانی	• سبک‌های رهبری • شیوه‌های تعامل و ارتباط با محیط • عوامل مؤثر بر رفتار جمعیت جریـــان که منجر به اثرگذاری می‌شوند
	نظریه‌های ارتباطات، تبلیغات و رسانه	• شناســـایی نظـــام ترویج و نـــوع فعالیت مروجـــان و مبلغان جریان‌ها و شیوهٔ تبلیغاتی آنان • قدرت اثرگذاری

۱. برای اطلاع از فرایند مطالعهٔ تطبیقی ر.ک: فرامرز قراملکی، ۱۳۹۲: صص ۳۱۴-۲۹۸.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

بستۀ محتوایی	تاریخ	• شـناخت افراد مرتبط با جریان، جغرافیـای جریان و اثرات جریـان (گـزارش از انسـان‌ها (جمعیت جریـان و نیروی انسـانی)، گزارش اتفاقات و تأثیرات (اثرگذاری و پویایی)، گزارش از نظرات، گفت‌وگوها، نامه‌ها، سخنرانی‌ها، کتاب‌ها و تفکرات (اصول و فروض و نظام معنایی مشترک)) • پیداکردن روحیه و مذاق رویکرد تاریخی و دست‌یابی به نگاه یکپارچه به پدیده‌های زمان‌دار
	فلسفه و تاریخ اندیشه	• فهم عمیق اصول و فروض جریان‌ها • ذوق فکری و قرابت با هویت جریان‌های فکری • ایجاد ظرفیت برای مرحلۀ شناخت اجمالی
	نظریه‌های جامعه‌شناسی، فرهنگ و سیاست	• شناخت اصول جریان‌های سیاسی و فرهنگی • رهایی از نگاه بسـیط به جامعه و چشـیدن مزۀ پیچیدگی آن (قرابت به موضوع)
	جامعه، عرف و مردم	• منبعی اصلی و اساسـی برای مطالعۀ اثرات جریان‌های روز جامعه
بستۀ روشی	منطق و تفکر نقدی	• شخصیت منطقی محقق • درک هویت سیستمی جریان و اصول و فروض آن
	روش‌های جمع‌آوری داده	• جمع‌آوری اطلاعات ذاتـاً متفاوتی که منابع گوناگونی دارند براساس میان‌رشتگی‌بودن روش
	روش تاریخی	• نیازمندی منابع تاریخی به روش پژوهش در تاریخ
	روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و فهم متن	• فهم جامع و منضبطی از داده‌های خام دربارۀ نظام مشـترک معنایی
	روش مطالعات تطبیقی	• شـناخت عمیق و تفصیلی جریان در مقایسـه با جریان‌های رقیب باتوجه‌به اصل هم‌معنایی کنش‌های اجتماعی

از منظر روش‌شـناختی، به‌طور خلاصه، می‌توان گفت جریان‌شـناس با تسلط بر علوم «بستۀ الگویی»، و اشـراف بر ابزارهای «بستۀ روشـی»، سراغ منابع «بسـتۀ محتوایی» رفته، گزاره‌های معرفتی لازم جریان‌شناسی را استخراج می‌کند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

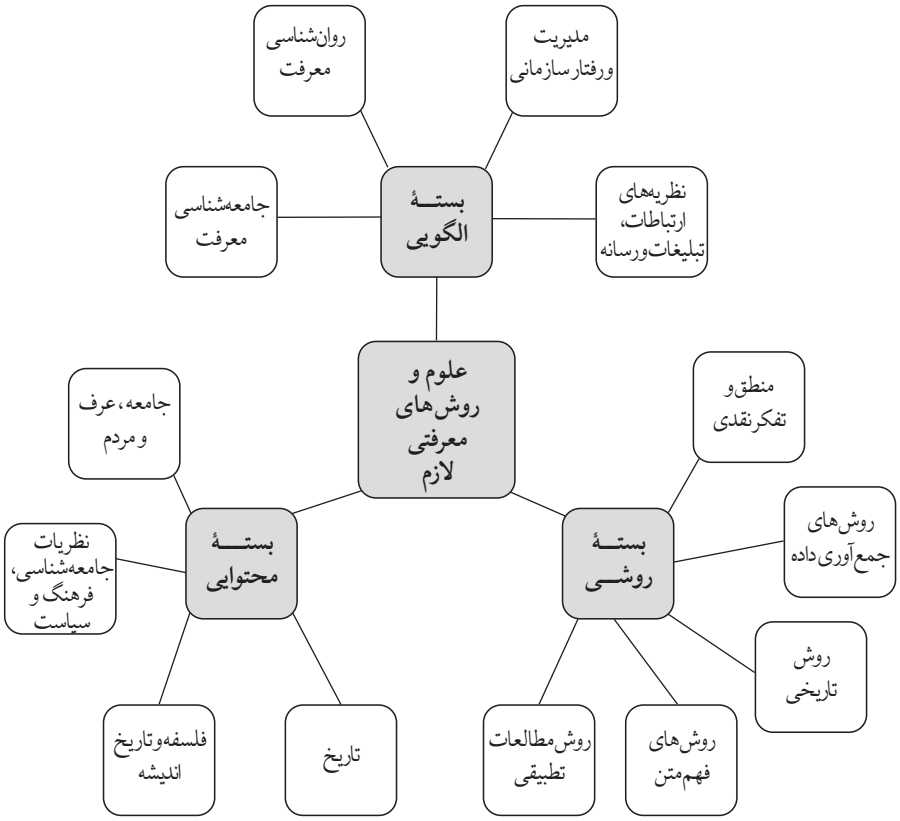

نمودار ۱۰ - معرفی شبکه‌ای علوم و روش‌های معرفتی مورد نیاز جریان‌شناسی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

کتابنامه

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین. ۱۴۰۹ه.ق. **کفایة الأصول**. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام. چاپ اول.

۲. آرون، ریمون. ۱۳۸۶. **مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی**. ترجمهٔ باقر پرهام. تهران: انتشارات علمی فرهنگی. چاپ هشتم.

۳. ابراهیم‌پور، علی. ۱۳۹۷الف. «**بررسی تحلیلی نظریه‌های مطرح درمفهوم‌شناسی «جریان» و «جریان‌شناسی»**». همایش بین‌المللی جریان‌شناسی فرهنگی در عرصهٔ بین‌الملل. جامعه‌المصطفی. قم.

۴. ــــــــــــ ۱۳۹۷ب. «**تحلیل عناصر و ابعاد حقیقت چندبعدی اجتماعی ـ معرفتی «جریان» به‌مثابهٔ موضوع دانش جریان‌شناسی**». همایش بین‌المللی جریان‌شناسی فرهنگی در عرصهٔ بین‌الملل. جامعه‌المصطفی. قم.

۵. ابن سینا. ۱۴۰۴ه.ق. **الاهیات شفا**. تصحیح سعید زاید. قم: مکتبة آیة الله المرعشی.

۶. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین. بی‌تا. **معالم الدین و ملاذ المجتهدین**. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ نهم.

۷. اژدری زاده، حسین. ۱۳۹۰. **جامعه‌شناسی معرفت در قرآن**. قم: مؤسسهٔ امام خمینی. چاپ اول.

۸. استوتزل، ژان. ۱۳۷۴. **روان شناسی اجتماعی**. ترجمهٔ علیمحمد کاردان. تهران: نشر دانشگاه تهران. چاپ ششم.

۹. اسکات، ریچارد. ۱۳۹۳. **سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز**. ترجمهٔ دکتر حسن میرزایی اهرنجانی. تهران: سمت. چاپ هفتم.

۱۰. اسمیت، فیلیپ دانیل؛ رایلی، الگزندر. ۱۳۹۴. **نظریه فرهنگی**. ترجمهٔ محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی. چاپ اول.

۱۱. اعرافی، علیرضا. ۱۳۹۵. **هرمنوتیک**. قم: نشر اشراق و عرفان. چاپ اول.

۱۲. امام خمینی، روح الله. ۱۴۱۰ه.ق. **الرسائل**. جلد۲. قم: مؤسسهٔ مطبوعاتی اسماعیلیان. چاپ اول.

۱۳. انصاری، مرتضی بن محمدامین. ۱۴۲۸ه.ق. **فرائد الأصول**. جلد۴. قم: مجمع الفکر الاسلامی. چاپ نهم.

۱۴. الوانی، سیدمهدی. ۱۳۸۸. **مدیریت عمومی**. تهران: نشر نی. ویراست سوم. چاپ سی‌وهفتم.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

۱۵. الهی‌راد، صفدر. ۱۳۹۵. **آشـــنایی با هرمنوتیک**. تهران: موسســه آموزشـــی و پژوهشی امام خمینی (ره): سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ اول.
۱۶. ایمان، محمدتقی. ۱۳۹۳. **روش‌شناســی تحقیقات کیفی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ دوم.
۱۷. ایمان، محمدتقی؛ محمدیان، منیژه. ۱۳۸۷. «**روش‌شناســی نظریــه‌ی بنیادی**». فصلنامهٔ روش‌شناسی علوم انسانی. دوره ۱۴. شماره ۵۶.
۱۸. بارون، رابرت؛ برن، دان؛ برنســکامپ، نیلا. ۱۳۸۸. **روان‌شناسی اجتماعی**. ترجمهٔ یوسف کریمی. تهران: نشر روان. چاپ دوم.
۱۹. بدار، ژوزه دزیل؛ لامارش، لوک. ۱۳۹۲. **روان‌شناسی اجتماعی**. ترجمهٔ حمزه گنجی. تهران: نشر ساوالان. چاپ دهم.
۲۰. بــرازو، ژاک. ۱۳۸۷. **دانش میان‌رشــته‌ای و تحصیلات عالیه**. ترجمهٔ توحیده ملاباشــی. در کتاب: چالش‌ها و چشــم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای. لیســا لاتوکا و دیگران. ترجمه و تدویــن سیدمحســن علوی‌پور و همکاران. تهران: نشــر پژوهشــکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ اول.
۲۱. پاکتچی، احمد. ۱۳۹۱. **روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث**. تهران: دانشگاه امام صادق(ع). چاپ اول.
۲۲. توسلی، غلامعباس. ۱۳۹۰. **نظریه‌های جامعه‌شناسی**. تهران: سمت. چاپ هفدهم.
۲۳. توکل، محمد. ۱۳۷۰. **جامعه‌شناسی علم**. تهران: نص. چاپ اول.
۲۴. جعفریان، رسول. ۱۳۹۰. **جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ـ سیاسی ایران**. تهران: نشر علم. چاپ اول.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. **رحیق مختوم**. جلد ۱. قم: نشر اسرا. چاپ سوم.
۲۶. ـــــــــــــــ. ۱۳۸۷. **فلسفه صدرا**. جلد ۱. قم: نشر اسرا. چاپ اول.
۲۷. حاجیلو، حســین‌علی. ۱۳۸۳. «**معرفی روشهای تحلیل داده‌های کیفی با تأکید بر روش تحلیل محتوا**». فصلنامهٔ مدیریت فردا. شمارهٔ ۷و۸.
۲۸. خســروپناه، عبدالحســین. ۱۳۹۲. «**جریان‌شناسی تفریح من اســت!**». ۱۳۹۲/۱۰/۱۴. مصاحبه با پایگاه علمی تحلیلی گذار. Gozaar.ir. (برداشت در مرداد ۱۳۹۳)
۲۹. ـــــــــــــــ. ۱۳۹۲. **فلســفه علوم انسانی (بنیادهای نظری)**. قم: نشر تعلیم و تربیت اسلامی. چاپ اول.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

۳۰. ـــــــــــــــــــ ۱۳۹۳. **در جســـت‌وجوی علوم انسانی اسلامی**. جلد اول. قم: نشر معارف. چاپ اول.
۳۱. ـــــــــــــــــــ ۱۳۹۴. **روش‌شناســـی علوم اجتماعی**. تهران: مؤسســـهٔ پژوهشی حکمت و فلسفه ایران. چاپ اول.
۳۲. خواص، امیر. ۱۳۹۳. **درس‌نامه تفکر نقدی**. قم: مؤسســـهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). چاپ دوم.
۳۳. خورسندی طاسکوه، علی.۱۳۹۶. **گفتمان میان‌رشته‌ای دانش**. تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ دوم.
۳۴. رابینز، استیون. ۱۳۹۶. **تئوری سازمان: ساختار و طرح سازمانی**. ترجمهٔ سیدمهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد. تهران: انتشارات صفار. چاپ چهل‌وششم.
۳۵. رابینز، اســـتیون؛ جاج، تیموتی. ۱۳۹۶. **رفتار سازمانی**. ترجمهٔ مهدی زارع. تهران: انتشارات نص. چاپ هفتم.
۳۶. ریکو، آلن .۱۳۹۶. **پژوهش میان‌رشته‌ای: نظریه و فراین**د. ترجمهٔ محسن علوی‌پور، مجید کرمی، هدایت‌الله اعتمادی‌زاده‌دریکوندی و علی‌اکبر نورعلیوند. تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ دوم.
۳۷. رضائیان، علی. ۱۳۸۴. **اصول مدیریت**. تهران: سمت. چاپ هفدهم.
۳۸. ـــــــــــــــــــ ۱۳۸۷. **مبانی مدیریت رفتار سازمانی**. تهران: سمت. چاپ نهم.
۳۹. ـــــــــــــــــــ ۱۳۹۵. **مبانی سازمان و مدیریت**. تهران: سمت. چاپ نوزدهم.
۴۰. رضوانی، روح‌الله. ۱۳۸۹. «**تحلیل محتوا**». دو فصلنامهٔ عیار پژوهش در علوم انسانی. سال دوم. شماره اول.
۴۱. زرین‌کوب، عبدالحسین. ۱۳۸۱. **تاریخ در ترازو**. تهران: امیرکبیر. چاپ هفتم.
۴۲. ســـالاری‌فر، محمدرضا و همکاران. ۱۳۹۳. **روان‌شناســـی اجتماعی بـــا نگرش به منابع اسلامی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ویراست دوم. چاپ پنجم.
۴۳. ســـاوی، زین‌الدین عمربن ســـهلان. ۱۳۸۳ش/۱۴۲۵ق. **البصائر النصیریه**. تقدیم و تحقیق حسن مراغی. تهران: شمس تبریزی. چاپ اول.
۴۴. سبحانی تبریزی، جعفر. ۱۴۱۴ه.ق. **المحصول فی علم الأُصول**. جلد۴. تقریرات محمود جلالی مازندرانی. قم: مؤسسه امام صادق. چاپ اول.
۴۵. سبزواری، ملاهادی. ۱۳۷۹ب. **شـــرح المنظومة**. جلد۵. تصحیح علامه حسن‌زاده. تهران:

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

نشر ناب. چاپ اول (موجود در نرم‌افزار جامع حکمت اسلامی نور).
۴۶. ستوده، هدایت‌الله. ۱۳۹۲. **روان‌شناسی اجتماعی**. تهران: نشر آوای نور. چاپ شانزدهم.
۴۷. ســجادی، محمدصادق؛ عالم‌زاده، هادی. ۱۳۸۹. **تاریخ نگاری در اسلام**. تهران: سمت. چاپ یازدهم.
۴۸. ســلطانی، ســیدعلی اصغر. ۱۳۸۳. **تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش**. فصلنامهٔ نشریه علوم سیاسی. زمستان. شماره ۲۸.
۴۹. شــریفی، احمدحســین. ۱۳۹۵. **روش‌شناسی علوم انسانی اســلامی**. تهران: نشر آفتاب توسعه. چاپ اول.
۵۰. شفیعی، عباس؛ خدمتی، ابوطالب؛ آقاپیروز، علی. ۱۳۹۱. **رفتار سازمانی با رویکرد اسلامی (سطح گروه)**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ سوم.
۵۱. صــدر، محمد باقر. ۱۴۱۷ه.ق. **بحوث فی علم الأصول**. جلد۷. تقریرات محمود هاشــمی شــاهرودی. قم: مؤسسه دائرة معارف فقه اســلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام. چاپ سوم.
۵۲. طاهری، سیدصدرالدین. ۱۳۷۹. «**بررســی انتقادی و مقایسه اصول فقه اسلامی و بینش هرمنوتیکی**». فصلنامهٔ قبسات. دورهٔ ۵، شمارهٔ ۱۷.
۵۳. عقیلی، ســیدوحید؛ لطفی حقیقت، امیر. ۱۳۸۹. «**کاربــرد روش تحلیل گفتمان در علوم رفتاری**». فصلنامهٔ دانشنامه. شمارهٔ ۱۲.
۵۴. علیدوست، ابوالقاســم. ۱۳۹۴. **فقه و عرف**. تهران: پژوهشــگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ پنجم.
۵۵. علیــزاده، عبدالرضــا؛ اژدری‌زاده، حســین؛ کافی، مجیــد؛ زیرنظر توکــل، محمد. ۱۳۸۵. **جامعه‌شناسی معرفت (جستاری در تبیین رابطه ساخت و کنش اجتماعی و معرفت‌های بشری)**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ دوم.
۵۶. فاضلی، محمد. ۱۳۸۳. «**گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی**». پژوهش‌نامهٔ علوم انســانی و اجتماعی. شمارهٔ ۱۴.
۵۷. فرامرز قراملکی، احد. ۱۳۹۲. **روش‌شناســی مطالعات دینی**. مشــهد: نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی. چاپ هشتم.
۵۸. فرامرز قراملکی، احد؛ سیاری، سعیده. ۱۳۸۹. **مطالعات میان‌رشته‌ای: مبانی و رهیافت‌ها**. دو فصلنامهٔ فلسفه و کلام اسلامی. سال۴۳. شمارهٔ۲.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

۵۹. فوردمن، رابرد و همکاران. ۱۳۸۷. **پرســش از میان‌رشتگی**. ترجمهٔ ارکان شریفی. در کتاب: چالش‌ها و چشــم‌اندازهای مطالعات میان‌رشــته‌ای. لیســا لاتوکا و دیگران. ترجمه و تدوین سیدمحســن علوی‌پور و همکاران. تهران: نشــر پژوهشــکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ اول.
۶۰. قطب‌الدین شیرازی، محمود بن مسعود. ۱۳۸۳. **شرح حکمة الاشراق**. اهتمام عبدالله نورانی و مهدی محقق. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. چاپ اول.
۶۱. کار، ئی‌ایچ. ۱۳۸۷. **تاریخ چیســت؟** ترجمهٔ حسن کامشــاد. تهران: نشر خوارزمی. چاپ ششم.
۶۲. کازر، لوئیس؛ استر، نیکو؛ مجا، ولکر؛ مرتن، رابرت‌ک؛ مانهایم، کارل. ۱۳۸۹. **جامعه‌شناسی معرفت (ســیر تاریخی، نظریه‌ها و چشــم‌اندازها)**. ترجمهٔ جواد افشــارکهن. تهران: نشر پژواک. چاپ اول.
۶۳. کــوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد. ۱۳۹۱. **نظریه‌های بنیادی جامعه شناختی**. ترجمهٔ فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی. چاپ پنجم.
۶۴. گلدمن، آلون. ۱۳۹۵. **معرفت‌شناسی اجتماعی (از مجموعه دانش‌نامه فلسفه استنفورد)**. ترجمهٔ مهدی رعنایی. تهران: نشر ققنوس. چاپ اول.
۶۵. گلوور، دیوید؛ استرابریج، شــیلاف؛ توکل، محمد. ۱۳۸۸. **جامعه‌شناسی معرفت و علم**. ترجمهٔ شاپور بهبیان، حامد حاجی‌حیدری، جمال محمدی، محمدرضا مهدوی‌زاده و حسن ملک. تهران: سمت. چاپ چهارم.
۶۶. مانهایم، کارل. ۱۳۸۰ . **ایدئولوژی و اتوپیا مقدمه‌ای بر جامعه‌شناســی شناخت**. ترجمهٔ فریبرز مجیدی. تهران: سمت. چاپ اول.
۶۷. متین، منصور. ۱۳۸۸. **تفکر میان‌رشته‌ای**. قم: بوستان کتاب. چاپ اول.
۶۸. ــــــــــــ ۱۳۹۲. **فرهنگ اصطلاحات میان‌رشته‌ای**. قم: بوستان کتاب. چاپ اول
۶۹. محمدپور، احمد. ۱۳۹۲. **روش تحقیق کیفی ضدروش**. دو جلد. تهران: جامعه‌شناســان. چاپ دوم.
۷۰. محمدپور، احمد. ۱۳۹۲ب. **روش تحقیق کیفی ضدروش۲**. تهران: جامعه‌شناسان. چاپ دوم.
۷۱. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۱. **شــرح الاهیات شفا**. جلد ۱. تحقیق و نگارش محمدباقر ملکیان. قم: مؤسسهٔ امام خمینی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

۷۲. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۷الف. **مجموعه آثار**. جلد ۵. قم و تهران: صدرا. چاپ هشتم
۷۳. ـــــــــــــ. ۱۳۷۷ب. **مجموعه آثار**. جلد ۷. قم و تهران: صدرا. چاپ هشتم
۷۴. مظفر، محمدرضا. ۱۴۳۳ه.ق. **المنطق**. تعلیقهٔ غلامرضا فیاضی. قم: مؤسسهٔ نشر اسلامی. چاپ نهم.
۷۵. مفتخری، حسین. ۱۳۹۳. **مبانی علم تاریخ**. تهران: سمت. چاپ چهارم.
۷۶. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۲۸ه.ق. **انوار الأصول**. جلد۳. تقریرات احمد قدسی. قم: مدرسه الامام علی‌بن ابی‌طالب. چاپ دوم.
۷۷. ملاصدرا. ۱۹۸۱. **الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة**. جلد۱. بیروت: دار احیاء التراث. چاپ سوم.
۷۸. ـــــــــ. ۱۳۸۷. **سه رسائل فلسفی**. تصحیح سیدجلال آشتیانی. قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ سوم.
۷۹. ملائی توانی، علیرضا. ۱۳۹۰. **درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ**. تهران: نشر نی. چاپ چهارم.
۸۰. ملکیان، مصطفی. ۱۳۷۳. **تفکر نقدی**. جزوه درس‌گفتار سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۷۳. دانلود از وبلاگ «bidgoli1371.blogfa.com »
۸۱. منادی، مرتضی. ۱۳۸۵. «**روش تحلیل محتوای متن گفتاری و نوشتاری در علوم رفتاری و اجتماعی**». فصلنامهٔ روش‌شناسی علوم انسانی. دورهٔ ۱۲. شمارهٔ ۴۸.
۸۲. مورن، جو. ۱۳۸۷. **میان‌رشتگی**. ترجمهٔ داوود حاتمی. تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ اول.
۸۳. موسوی، آرش. ۱۳۹۰. **درآمدی بر روان‌شناسی علم**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ دوم.
۸۴. مولکی، مایکل. ۱۳۸۹. **علم و جامعه‌شناسی معرفت**. ترجمهٔ حسین کچویان. تهران: نشر نی. چاپ سوم.
۸۵. مهدی‌زاده، سیدمحمد. ۱۳۹۳. **نظریه‌های رسانه (اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی)**. تهران: انتشارات همشهری. چاپ چهارم.
۸۶. نائینی، محمد حسین. ۱۳۷۶. **فوائد الأُصول**. جلد۴. تقریرات محمد علی کاظمی خراسانی. قم: جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم. چاپ اول.
۸۷. نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد. ۱۳۷۵. **شرح الاشارات و التنبیهات**. جلد ۱. قم: نشر

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]

البلاغة. چاپ اول.
۸۸. واعظی، احمد. ۱۳۸۹. **درآمدی بر هرمنوتیک**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ ششم.
۸۹. ـــــــــــــ. ۱۳۹۰. **نظریه تفسیر متن**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ اول.
۹۰. وینسنت، اندرو. ۱۳۹۵. **نظریه‌های دولت**. ترجمهٔ حسین بشیریه. تهران: نشر نی، تهران. چاپ یازدهم.
۹۱. یوسف‌زاده، حسن؛ اسلامی‌تنها، اصغر؛ غمامی، سیدمحمدعلی. ۱۳۹۴. **درآمدی بر ارتباطات جمعی از منظر اسلامی: الگوی رسانهٔ مطلوب**. قم: مؤسسهٔ امام خمینی. چاپ اول.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1399.6.1.6.0]